

ردیابی فرهنگ وحی

در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین

شهر دولت آباد ملایر

الف: مقدمه:

غرض از نگارش مقاله حاضر جستجو و بیان کیفیت پیدائی و پی آمدهای کالبدی فرهنگ معنوی جامعه یا بررسی چگونگی تبلور و پروتئابی روح انسانها و عملکرد گروههای اجتماعی ایرانی در پدیدآری و ساماندهی فضاهاى حیاتی از چشم اندازهای طبیعی زیستی، در چهارچوب یکی از شهرهای دوره قاجار ایران، است. ویژگیهای درونی و برونی کالبد و ساختمانهای شهر، بخصوص اجزا و عناصر اصلی شهرهای اسلامی، از آنروى در کانون توجه قرار می گیرد، که نمایانگر چشمگیرترین، گستردهترین و پیچیدهترین و هم پیوندترین پدیدههای مادی یا بازتاب محتوای روحی انسانها در گذار از مراحل و مراتب نظامهای اجتماعی - اقتصادی میباشد. ساختار کالبدی شهرها گواه و نمودار پیدا و روشن نظامهای اجتماعی و اقتصادی، شیوههای رفتار سیاسی و روابط فیما بین و کنشهای متقابل انسانی و احکام دینی و فعالیتهای هنری بوده و آئینه درون نمای روح انسانها هستند و مهر اشکال زندگی و روح حیات آنها را برپیشانی دارند.

خلاصه این که سیمای شهرهای ایران تا اوایل قرن بیستم میلادی گویای شخصیت و سرنوشت و گذر تحولات تاریخی بر مردم این سرزمین بود و پس از آن در نتیجه هجوم سیستماتیک فرهنگ و مقاصد گوناگون غربی

دیگر گوتیهای عظیمی در آنها پدید آمدند. پژوهش برای یافتن نیروهای درونی سازماندهی جامعه، که شکل‌دهندگی و چهره‌پردازی فضاهای شهری و حوزه‌های زیست این سرزمین را در مرزهای یا مراحل آن تاریخ آن به‌عده داشته‌اند، در مرکز بررسی‌های جغرافیای فرهنگی قرار می‌گیرد.

تفسیر صورت و سیرت شهرهای ما از مهم‌ترین وظایف است که بر عهده علوم انسانی-شهری و از جمله جغرافیاست. زیرا که متخصصان بافت‌نیزمکی، و حتی زیست‌های کوچک سکونتگاهها و ساختارها، از یک کاشی گرفته تا کل شهر، از چنان بتوانند بر معنایی حکایت‌دار، که شناخت آن جز در بر تو فرهنگ‌شناسی معنوی و مادی و با توجه به تاریخ امکان‌پذیر نیست.

برای ورود به این بحث ابتدا به اختصار به تعریف و دیدگاه‌های جغرافیای فرهنگی در تبیین چشم‌انداز فرهنگی می‌پردازیم و سپس به مورد دولت‌آباد اشاره می‌نماییم:

ب: تعریف و دیدگاه‌های جغرافیای فرهنگی:

جغرافیای فرهنگی از شاخه‌های اصلی جغرافیاست، که از یک‌سویه بررسی روابط، اثرات و کشت‌های متقابل انسان و گروه‌های انسانی با چشم‌انداز طبیعی-زیستی، از نظر شکل‌دهی، شکل‌گیری و شوندگی آن به چشم‌انداز فرهنگی می‌پردازد، و از سوی دیگر بر آمده‌های روابط او را با همین چشم‌انداز فرهنگی خوب ساخته بیان می‌کند، از این‌رو تبیین بر اکتدگی مکانی، روابط مکانی پدیده‌ها یا عناصر فرهنگی، که بر اثر رفتار گروه‌های انسانی در محیط ایجاد شده‌اند و یا می‌شوند، در قلمرو این‌عالم قرار می‌گیرد.

چشم‌انداز فرهنگی^۱ با ساختار درونی خود نیز حاصل مجموعه‌ای از کار-کردهای چهار آفرین و فعالیت‌های نقش‌گذار گروه‌های اجتماعی، اعم از ایجاد، تبدیل و یا تغییر شکل چشم‌انداز طبیعی-زیستی برای تأمین نیازهای

۱- چشم‌انداز یا محتوای جغرافیای ... در این مقاله شامل اصطلاح *landschaft* و *پایان*

گلیسی و *Paysage regionale* زبان فرانسه تکرار شده.

عملی انسان یا گروه‌های انسانی، است.^۱

بدین ترتیب چشم‌انداز فرهنگی نتیجه کنشها و روابط متقابل دستجمعی انسان‌هاست و فرهنگ، و توانا بر تأثیر گذاری بر سر نوشت خویش، با طبیعت است و در واقع او بانبروهانی فرهنگی خود آفریننده چشم‌انداز فرهنگی از چشم‌انداز طبیعی - زیستی است که آنرا تبدیل به فضای حیاتی می‌کند و خودش هم تحت تأثیر فضای خود آفرید تغییر می‌یابد پس بررسی و شناخت خطوط اساسی محتوای معنوی و جلوه‌های مادی و چگونگی ترکیب عناصر اصلی این چشم‌انداز فرهنگی برای رديابی و جستجوی نیروهای چهره‌پرداز و بهره‌ور در گذشته، اکنون و آینده ضروری می‌نماید. زیرا چشم‌انداز فرهنگی کنونی را می‌توان از طرفی به منزله نتایج رفتار گذشته انسان و از طرفی نیز به مثابه شرایط و زیربنای رفتار آتی او تلقی کرد، هر آنچه که در گذشته رخ داده است و هر آنچه که اکنون روی می‌دهد بر روی تحولات و رویدادهای آینده اثر می‌گذارد. بنابراین جغرافیای فرهنگی در عین توجه به پژوهشهای ژرف مکانی به بررسی مسائل و انتقالات فرهنگی در ژرفای زمان نیز نظر دارد، یعنی گذشته‌نگر، اکنون‌نگر، آینده‌نگر و همه‌سونگر است.

۱- در تعریف جغرافیای فرهنگی و جغرافیای چشم‌انداز فرهنگی به‌عنوان مقاله و کتب زیر نظر داشته‌ایم:

- Anthropogeographie, in: Westermann Lexikon der Geographie, Braunschweig.**
Bd. I, 1968. S. 180-183
- Kulturlandschaft, in: Westermann Lexikon der Geographie, Braunschweig**
Bd. II, 1969, S. 905-906
- Zur Kulturgeographie (aus dem AD HOC Bericht), in: Barlels D. (Hrsg.):**
Wirtschafts - und Soziogeographie, Neue Wissenschaftliche
Bibliothek Wirtschaftswissenschaften, Kiepenheuer &
Wirtsch, Koeln, Berlin, 1970 S. 130-140
- Wagner, J, Kulturgeographie, Harms Erdkunde, B. 9, 4. Aufl. Paul List**
Verlag KG. Muenchen, 1969

آغاز شناخت محتوایی و ماهیت‌شناسی چشم‌انداز فرهنگی از طریق تجزیه آن به عناصر یا اجزای آن (طبق معارف نین، زبان، رفتار، ابزار و وسایل تولید، منازل و ساختمانها و ظواهر آنها) امکان‌پذیر می‌شود. به لحاظ گستردگی و ژرفایی فرهنگ‌معمنوی و مادی و عناصر متشکله آن همکاری علوم جغرافیا، قوم‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، تاریخ اقتصادی معماری، شهرسازی و مانند آنها برای دریافت کشف، توصیف، تبیین مفاهیم دقیق، تحلیل اجرا و هر یک از خطوط اساسی فرهنگ و تأثیرات آنها بر چشم‌انداز طبیعی - زیستی ضرورت می‌یابد.

ارزایی تبدیلیها، دگرگونیها، تغییرات و پدیده‌هایی که انسان با فرهنگ معنوی خود در عرصه چشم‌انداز طبیعی - زیستی بوجود آورده است و نیز بررسی عناصر معنوی هر فرهنگی بر اساس معیارها و ضوابط ارزشی خاص و فنون و دانشهای دقیق انجام می‌گردد. از این‌دوست کسیه عملکردهای خواسته و نابخواسته، مستقیم و غیرمستقیم یا برنامه ویی برنامه گروه‌های انسانی، با فرهنگهای گوناگون، از بزرگه نگرش فرهنگ دیگر یا علوم و فنون گاه بی‌فایده، گاه فایده‌بخش، گاه سودآور، گاه زیان‌بخش و در مواردی زیست و یا زیبا و درست و یا نادرست، منظم و یا بی‌قاعده و خوب یا بد ارزش‌گذاری می‌شود. اینست که شیوه نگرش به فرهنگ و یا تفسیر و بیان چشم‌انداز فرهنگی خود نیازمند نحوه نگرش یا دیدگاه فرهنگی است. از آن‌جا که جغرافیای فرهنگی به بررسی پدیده‌های گوناگون مادی چشم‌انداز فرهنگی، اعم از روستا، شهر و یا عناصر اصلی سازنده آنها، با توجه به پیشروانه ارزشی و معنای هویت آنها، می‌پردازد و به تفسیری این پدیده‌ها روح متبیین و به تفسیری دیگر بازتاب یا جلوه روح انسان یا گروه‌های انسانی نامیده می‌شوند. مآذ راستای این طرز تفکی هادی موضوع فکری یا دو محسوس نگرش را بر گرفته و ضمن توضیح مختصر آنها کوشش می‌کنیم کاربرد آنها را در جغرافیای فرهنگی بیان‌داشت و ساختمان دوره آغازین شهر ملایر را بر آن اساس تبیین کنیم.

- یکم: بررسی روح از دیدگاه نیکولای هارتمان: (Nicolai - Hartmann ۱۸۸۲-۱۹۵۰) از مهمترین سیماهای فلسفه معاصر آلمان و بهره‌گیری از مفاهیم او در باره روح برای تبیین و تفسیر چشم‌انداز فرهنگی بمنزله روح متعین.

- دوم: دیدگاه علامه فقید سید محمد حسین طباطبائی از روح و فرهنگ وحی و استفاده از تفسیر المیزان او و تعبیر برخی از شخصیت‌های معاصر اسلامی درباره فرهنگ برای بیان برخی یا مجموعه‌ای از جلوه‌های مادی چشم‌انداز فرهنگی شهرهای ایران اسلامی

یکم: بررسی روح از دیدگاه نیکولای هارتمان:

فلسفه فرهنگ آلمان مفاهیم «روح درون ذهنی»^۱، «روح برون ذهنی»^۲ یا عینی و «روح متعین یا روح عینی شده»^۳ را آفریده است. آن روح درون‌ذهنی است که در ذهن‌های توانای تجربه‌زیسته و معنا بخشنده جای دارد و روح عینی عبارتست از روح مشترك (مثلاً: روح دوران) اما وقتی روح خود را در نشانه‌ها، افزارها و ساخته‌ها بفعالیت و تحقق درمی‌آورد، یعنی بخود شکلی قابل ادراك حسی وجداننده از ذهن می‌بخشد در این صورت روح متعین یا عینی شده نام دارد. به عبارت روشن‌تر «روح نزد هارتمان تنها چونان قشری از هستی واقعی دارای اهمیت است... هستی روحی از هستی روانی مرتبه آگاهی که به جانوران نیز تعلق می‌گیرد، آشکارا جداست... هر آنچه روحی است يك قشر هستی کامل را تشکیل می‌دهد و درسه شکل هستی تقسیم می‌شود: روح شخصی، روح عینی و روح متعین. دو روح نخست روح زنده‌اند... روح دارای مقولات و جنبه‌های ویژه خویش است نه تنها در جریان قرار دارد، بلکه خودش جریان است در آن نه جوهر

2- Subjektiver Geist

3- Objektiver Geist

4- Objektivierter Geist

(چون در جریانهای طبیعت) یافت می‌شود، نه خود را دوباره تشکیل می‌دهد (مانند زندگی)، باید خود را با خودش یکی و همان سازد، بی‌مکان است و در عین حال در بند مکان. در جهان واقعی جادارد و وابسته به آن است، اما این وابستگی فرمانروا بر نیروهای است که می‌تواند آنها را رهبری کند و زیر سلطه خود در آورده... یک ویژگی بنیادی زندگی روحی، جدایی‌پذیری محتواها (موضوعهای قصدی) از شخص است. آنچه که یکبار بوسیله شخص در شکل تعبیر و بیان، متعین می‌شود، دیگری نمی‌تواند آن را برای خود نگهدارد یا بخود منحصر سازد؛ از شخص به شخص «سفر» می‌کند. این پدیده بنیادی روح عینی است، هم اینگونه محتواها - قانون، عادات و رسوم، زبان، ایمان، معرفت، هنر - همه در زمینه محتواهای روح تاریخی قرار دارند روح عینی خود را به میراث نمی‌دهد، بلکه تنها خود را «منتقل می‌کند» (قانون انتقال). از لحاظ محتوا در هیچیک از نمونه‌ها یا افراد خود منحل نمی‌شود. به این علت می‌توان بوی یک جنبدگی نسبت داد.

هم روح عینی و هم روح شخصی، خود را متعین می‌سازند و بدینسان روح متعین شکل می‌گیرد... این روح هر جا که ظاهر می‌شود، همیشه دو قشر وجود دارند: ساخته‌های واقعی حسی چونان قشر «حامل» و «محتوای روحی»، چگونه این هر دو قشر چنین مختلف، یگانه می‌شوند، چگونه روح متعین، جدا شده از روح زنده بزندگی ادامه می‌دهد. اینها برخی از پر شمار مسائلی‌اند که هارتمان (ص ۲۲۴-۲۲۳ و ۲۲۲-۲۲۱)^۵ «در جستجوی پاسخ به آنهاست».

با بهره‌گیری از این دیدگاه، این نظر بوسیله اشویند جغرافیدان معاصر آلمانی مطرح می‌شود که پس چشم‌انداز فرهنگی که آفریده و حاصل کار انسان است نیز «روح متعین» می‌باشد و روح بدین ترتیب در چشم‌انداز شکل‌پایداری بخود پذیرفته است. اگر چنین است در این صورت باید دانش چشم-
 م. بوخنسکی، ای. م. : فلسفه معاصر اروپایی، ترجمه دکتر شرف‌الدین خراسانی - شرف، انتشارات دانشگاه ملی ایران، بدون تاریخ انتشار، شماره ۶۷.

انداز فرهنگی، یعنی جغرافیای فرهنگی، بتواند به دو پرسش «محتوائی» و «ارزشی» پاسخ گوید، زیرا هر موضوع محسوس روح دارای يك «محتوای معناست»^۱ و يك «ارزش بیان» و «تعبیر»^۲ (ص ۳) .

تجزیه و تحلیل چشم انداز فرهنگی، نشان می دهد که يك چشم انداز، گواهی که ممکن است يك کل با ساختار خاص خود نباشد ولی حداقل ترکیب در هم آمیخته ای از ساخته ها، نشانه ها و افزارهای گوناگون می باشد. عبارت دیگر، همان گونه که در بازدید و نظر اول ملاحظه می شود، چشم انداز فرهنگی از ساخته های واقعی حسی است و از این رو ناگزیر پرسش درباره «چرائی» و «چنین استی» آن مطرح می گردد. شیوه نگرش کارکردی - اکولوژیکی در دهه های اخیر توفیق یافته است که درباره تجزیه و تحلیل چشم اندازهای فرهنگی پژوهش کند و چهره چشم انداز را از جهات محتوا نظم و ترتیب ساختاری، معنی و مقصود و ارزشهای نهفته در آن روشن کند. برای بیان این منظور در همه حوزه ها و جنبه های طبیعی و زندگی چشم انداز پژوهش می شود تا بتوانیم بافت چشم انداز را با معنا سازیم و مضامین آن را درک کنیم از این رو این پژوهشها، برای درک موضوع، ما را به قلمروهای علمی جغرافیای طبیعی، جغرافیای دست آوردهای فرهنگ مادی، تاریخ، جامعه شناسی، قوم شناسی، علوم دینی، هنری و نظایر آنها هدایت می کند.

اما چنین معنی کردن چشم انداز فرهنگی دارای دو ویژگی است، بدین معنی که هر گونه پژوهش ساخته های واقعی حسی چشم انداز علاوه بر بررسی درباره اهمیت عینی آن باید بتواند پشتوانه یا ریشه ذهنی آن عینیات را هم

6- Sinngehalt

7- Ausdruckswert

8- Schwind, M: Kulturlandschaft als objektiver Geist, (Deutsche geographische Blaetter 46/1,1951/), Nachdruck in: Kulturlandshaft als geformter Geist, Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Darmstadt(Hrsg.), in der Reihe "Libelli" Bd. CX, S. 3-26

روشن سازد و محتوای روحی عینیات یا ساخته‌ها را دریابد. این روح در همه زمانها و نزد اقوام مختلف گوناگون بوده‌است و بدین لحاظ هر قومی در هر دوره‌ای متناسب با فرهنگ و روح زمان خود چشم‌انداز را بگونه‌ای خاص دیده و بگونه‌ای خاص آن را پر کرده و با آن رفتار کرده‌است. از این رو سازمان‌دهی فضایی چشم‌انداز معین و مشخصی، در جریان دوره‌های مختلف تاریخی و گذار از مراتب فرهنگی گوناگون زندگی يك قوم، تفاوت‌های کمی و کیفی فراوان را نشان می‌دهد و دارای غنا در اشکال و بازمانده‌های فرهنگ مادی می‌باشد. حتی چشم‌اندازهای طبیعی-زیستی مشابه یا همگونی را سراغ داریم که بسبب اختلاف محتوای فرهنگی اقوام گوناگونی، که در هر يك از آنها زندگی می‌کرده‌اند یا می‌کنند، به گونه‌های متفاوت از همدیگر شکل یافته‌اند و حال این که اگر در آن چشم‌اندازهای مشابه مردمانی از شاخه يك قوم با درجه فرهنگی همانند می‌زیستند فضاهاى حیاتی مشابهی را پدید می‌آوردند. بدین ترتیب محتوای فرهنگی و رفتارهای روحی گوناگون دارای اهمیت بنیادی برای شوندگی و گوناگونی چشم‌اندازهای فرهنگی می‌باشد. مثال: فرهنگ بومیان امریکای پیش از کشف و مهاجرین پس از آن هر برنامه‌ریزی نوینی را نیز می‌توان بمعنای نوعی موضع‌گیری فکری و طرز برخورد نسبت به وضعیت‌ها و شکل‌های به میراث رسیده چشم-انداز تلقی کرد و از این روست که با همه شباهت‌ها و همانندی‌هایی که در ایده‌های عمومی برنامه‌ریزی موجود می‌باشد، با این همه برنامه‌ریزی در هر سرزمینی دارای يك وضعیت مادی چشم‌انداز يك کیفیت روحی نیز جلوه‌گر می‌گردد. از باب مثال برنامه‌ریزی کشورهای سوسیالیستی در زمینه‌های گوناگون، بسبب برخورداری از نوعی جهان‌بینی، با برنامه‌ریزی کشورهای سرمایه‌داری دارای تفاوت‌های بنیادی می‌باشد. مقایسه اصول سیاست برنامه‌ریزی کشاورزی و صنعتی در آلمان شرقی، پس از اشغال آن در اواخر جنگ جهانی دوم توسط اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد يك حکومت کمونیستی، با اشغال آلمان غربی کنونی، وسیله ایالات متحده امریکا و

فرانسه و بریتانیای کبیر، و بازسازی نظام سرمایه‌داری جدید در آن سرزمین روشن می‌دارد که در هر یک از دو بخش آلمان و نیز در برلن غربی راه‌های مخصوصی، بایک محتوای ارزشی و روحی مختلف، طی شد که مظاهر مادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مالی آن‌ها را در هر دو آلمان غربی و شرقی و برلین غربی مشاهده می‌کنیم. اکنون چشم‌انداز فرهنگی در هر یک از این مناطق بگونه‌ای است که تفاوت بنیادی را بایکدیگر نشان می‌دهد. این گونه تغییرات در چشم‌انداز فرهنگی و کلیه ارکان زندگی را می‌توان در کشورهایی که زیر سلطه مستقیم استعمار بوده یا هستند، و نیز در سرزمین‌هایی که غرب بار خننه و نفوذ آرام و تند در آن‌ها ریشه دوانیده و همه وجوه فرهنگ بومی آن‌ها را بدون استعمار مستقیم تحت الشعاع خود قرار داده است یا قرار داده بود، مشاهده کرد. بدین ترتیب بررسی محتوای چشم‌اندازهای فرهنگی و دریافت چرایی و چنین‌استی آن‌ها، را با تکیه بر «فاهیم فلسفه فرهنگ هارتمان، یکی از روش‌های پرخورد علمی جغرافیای فرهنگی است.

دوم: دیدگاه علامه فقید سید محمد حسین طباطبائی

از روح و فرهنگ وحی و استفاده از تفسیر المیزان از تعبیر برخی از شخصیت‌های معاصر اسلامی درباره فرهنگ برای بیان برخی از مجموعه‌های از جلوه‌های مادی جغرافیای چشم‌انداز فرهنگی شهرهای ایران اسلامی:

در فرهنگ اسلامی روح ماهیت و مفهوم دیگری جدا از «فاهیم روح در فلسفه هگل و هارتمان و امثال این قبیل فلاسفه دارد.

در معارف اسلامی «روح مایه حیات و زندگی است. البته حیاتی که ملاک شعور و اراده باشد و روح کلمه حیاة است که خدای سبحان آن را در اشیاء به کار می‌برد، و آن‌ها را به‌مثبت خود زنده می‌کند»^۹ و «آنچه از سایر

۹- مقابله کنید با صفحات ۵ و ۶ Schwind سابق‌الذکر.

۱۰- طباطبائی، السید محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۲، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، تهران، ص ۳۸-۳۹.

موارد قرآن بدست می‌آید این است که روح خود مخلوقی از مخلوقات خداست و این روح حقیقت واحدیست که دارای مراتب و درجات مختلفی است، بلکه درجه از آن در حیوان و در غیر مؤمنین از انسانها است^{۱۱} یعنی روحی است و که در آسمان نفع می‌شود و در باره‌اش می‌فرماید و نعت فیه من روحی و روحی دیگر بنام روح تأیید کننده است، که خاص مؤمن است، و در باره‌اش فرموده: اولئك كتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه (سوره مجادله، آیه ۲۲)، که از نظر شرافت و دراهمیت و از نظر مرتبت و قوت شریفتر و قویتر از روحی است که در همه انسانهای زنده است^{۱۲}. و «یکدرجه دیگر آن روحی است که انبیاء و رسل بوسیله آن تأیید می‌شوند، و در باره آن فرمود: و ایدناه بروح القدس - او را با روح القدس تأیید کردیم» (سوره بقره، آیه ۸۷) و نیز فرمود: و كذلك اوحینا الیک روحاً من امرنا - و این چنین وحی کردیم بتو امر خود را (سوره شوری، آیه ۵۲)^{۱۳} و بدین امر می‌فرماید: «و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیتم من العلم الا قلیلاً» (آیه ۸۵، سوره اسری - بنی اسرائیل): «و ای رسول ما! تو را از حقیقت روح پرسش می‌کنند جواب ده که روح از شیخ امر پروردگار من است (و بدون واسطه جسمانیات بلکه با امر الهی به بدنهای تعلق می‌گیرند) و آنچه از علم شما روزی شده بسیار اندک است. این قسمت از آیه معنایش اینست که آن علم بروح که خداوند شما را داده اند که از بسیار است. چه روح موقعی در عالم وجود دارد و آثار و خواصی در این عالم پرور میدهد که بسیار بدیع و عجیب است، و شما از آن آثار بی‌خبرید»^{۱۴}. خلاصه این که فرهنگ اسلام

۱۱- طباطبائی، ص ۲۱.

۱۲- طباطبائی، التبیان محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۳، چاپ دوم، کانون انتشارات معنوی سال ۱۳۶۱، تهران ص ۴۴۷.

۱۳- طباطبائی، التبیان محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۲، کانون انتشارات معنوی، ۱۳۶۳، تهران ص ۴۱ و جلد ۳، ص ۴۴۷-۴۴۸.

۱۴- طباطبائی، التبیان محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، کانون انتشارات معنوی، ۱۳۶۳، تهران ص ۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹.

مبتنی بر قرآن است و قرآن مبتنی بر وحی است و فرهنگ وحی انسان قرآن را می آفریند. زیرا «وحی عبارت است از یکنوع سخن الهی که به انسان چیزهایی می آموزد که با اعتقاد و به کار بستن آن در زندگی دنیا و آخرت به کامیابی می رسد. لازمه عنایت الهی اینست که مجتمع انسانی را به تعلیماتی هدایت کند که اگر بدان عمل کنند نیکبخت شوند و به سعادت رسند و چنین هدایتی بوسیله وحی انجام می گیرد و عقل برای آن کافی نیست»^{۱۵} و «اگر خدا قرآن و وحی را روح نامیده از این باب بوده که نفوس مرده بوسیله آن حیات و زندگی می یابند همچنانکه روح معروف مایه حیات جسد های مرده است»^{۱۶}.

انسانی که به وحی اعتقاد دارد یعنی «انسان قرآن باید زندگی و فعالیت و اخلاق خود را بر اعتقاد خود به مبداء هستی و وجود لایزال الهی استوار سازد. همین اعتقاد او را به ایثار و از خود گذشتگی و احساس جاودانی سوق می دهد»^{۱۷}.

عملکرد این نوع انسان یا گروه های انسانی و یا امت معتقد اسلامی در پدید آوردن نوعی از فرهنگ معنوی و فرهنگ مادی (نظیر سکونتگاه ها و یا عناصر و ارکان سکونتگاه ها و چهره پردازی محیط طبیعی - زیستی) طبیعتاً باید دارای ویژگی های ممتاز و خاص خود بوده و دیگرگون از سایر فرهنگها باشد، بدین معنی که باید بر آن همه چیز رنگ و بوی فرهنگ وحی را بدهد. اما چنین چشم اندازهای فرهنگی بندرت ملاحظه شده و می شود، زیرا که فرهنگ وحی نیز بندرت در جایی بطور بلند مدت و پایدار عمل کرده

۱۵- طباطبائی، السید محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدجواد حجتی جلد بیستم، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، تهران ص ۱۰۶.

۱۶- طباطبائی، السید محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۲۵، چاپ سوم، کانون انتشارات محمدی ۱۳۶۳، تهران ص ۳۳۱.

۱۷- شریعتمداری، علی: علوم انسانی، اصالت و وحی و اصالت برای، در: علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، انتشارات جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، آذرماه ۱۳۶۱ ص ۷۱-۹۲.

است. با این حال در مقایسه با فرهنگهای پیش از اسلام متوجه می‌شویم که در قلمرو اسلامی رگه‌هایی از این رنگ‌بو تجلی یافته و گه‌گاه جلوه‌های آن از اصالت بیشتری برخوردار می‌باشد.

از این رو در جغرافیای فرهنگی ایران برای شناخت چشم‌اندازهای فرهنگی باید به دو کار اساسی مبادرت کرد:

- شناخت شرایط، مبانی و توانها و امکانات چشم‌اندازهای طبیعی که زمینه و بستر زندگی انسان است، زیرا «... این پدیده‌ها و حقایق محسوس عالم عینی خطوطی قابل خواندن هستند که واقعیت‌های بسیار با اهمیت پشت پرده‌ای را اثبات می‌کنند: عقل را خط‌خوان این اشکال کرد

تا دهد تدبیرها را زان نورد» (ص ۹۰) و انگیزه خواندن خطوطی که در جهان طبیعی ترسیم شده است هدف وجودی انسان است که تا آخرین حدود و قدرت و امکاناتش این خطوطرا بخواند.^{۱۸}

- شناخت آن گونه نیروهای فرهنگی که از امکانات و توانهای طبیعی استفاده می‌کنند و آنها را ارزشمند می‌نمایند و در واقع بعد روحی حیات انسان را در چشم‌اندازهای طبیعی، فعلیت می‌دهند: در این زمینه ضمن بررسی تاریخ تحولات و سیرورت یا شونده‌گی زندگی انسان در این سرزمین از دیرباز تا کنون باید به ردیابی تأثیرات و بی‌آمدهای فرهنگ و وحی پرداخت، چنین دریافتی دست نخواهد داد مگر اینکه ما به سرگذشت این سرزمین و زیاریای تاریخ آن و گذار آن از مراحل گوناگون پیش و پس از اسلام و سرنوشت اسلام و تأثیرات آن در نواحی گوناگون آن توجه نمائیم.

۱۸- جعفری، محمد تقی؛ ذکری، دفتر هفتم: شناخت انسان در تمدن حیات تکاملی، اشارات

ج : بنیاد دولت آباد ملایر :

بررسی حاضر در واقع نگاهی به تجلی فرهنگ اسلام در ایجاد شهری از شهرهای سرزمین ایران در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری است. انگیزه‌ای که شاهزاده شیخ علی میرزا شیخ الملوک را در حدود سال ۱۲۳۶ هجری قمری به بنیاد شالوده‌ها و ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و کالبدی شهر دولت آباد (ملایر کنونی) و وقف بسیار بر آنها کشانید تداوم رگه‌های ناب فرهنگ خلاق و هدفدار اسلام تا آن زمان با این تعریف و مضمون از فرهنگ بود : « کیفیت بخشیدن و رنگ آمیزی واقعیات عینی و انجام دادن اعمال و توجیه آنها بعنوان آرمانهای مطلوب، برای تحقق بخشیدن به حیاتی که آن را معقول و محبوب تلقی کرده است» (ص ۱۱۵)^{۱۹}

با توجه به مقدمات فوق ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت آباد را می‌توان از سویی به کمک مفهوم روح متعین در فلسفه هارتمان و کاربرد مفاهیم آن در جغرافیای فرهنگی آلمان غربی تبیین کرد و از سویی دیگر سزاوار است که آن را با کمک فرهنگ وحی، که شیخ علی میرزا از آن بهره‌ای نصیب گشته است، بیان داشت و تجلیل کرد. زیرا این حکمت دینی است که بزبان مولوی «فوق فلک است و با پرواز با پرهای آن و با اعتقاد به مبداء هستی و قبول معاد انسان به از خود گذشتگی و جاودانگی تن درمی‌دهد و وقف هم در پر تو پذیرش همین اعتقاد شکل می‌گیرد و بقول علامه محمد اقبال لاهوری براثر تعالیم قرآنی و نقش قرآن در عالم و جان است که جهان دیگر می‌شود و در نتیجه چشم اندازهای فرهنگی نیز محتوای دیگر می‌یابند :

چونکه در جان رفت، جان دیگر شود

جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود

۱۹- جعفری، محمدتقی: علوم انسانی، فرهنگها و جهان بینی‌ها، در علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، انتشارات جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، آذرماه ۱۳۶۱، ص ۱۲۳-۱۱۳.

بادقت در تعریف جغرافیای فرهنگی و دیدگاههای آن ملاحظه می‌شود که شهرها جزو پیچیده‌ترین اجزای چشم‌اندازهای فرهنگی هستند و از مراحل فرهنگی گوناگونی گذر کرده‌اند.

ساختارشناسی کالبدی و اندام‌شناسی شهرها و یا ساخت فرهنگ مادی آنها جز در پرتو شناخت فرهنگ معنوی امکان‌پذیر نیست و ساختارشناسی همه‌جانبه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کل چشم‌انداز فرهنگی نیز بدون کمک و همیاری تاریخ، تاریخ اقتصادی، جغرافیا و شهرسازی و سایر شاخه‌های علوم انسانی و هنری میسر نمی‌شود. چنین شناختی در چهارچوب بررسیهای علمی تاریخی و جغرافیایی اعم از محلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، ملی و فراملی ما را که اکنون از «برون پرده» به رخدادهای چهره‌پرداز گذشته می‌نگریم به تدبیرهای «درون پرده»^{۲۰}، که علت وجودی آنهاست، هدایت می‌کند. از این رو پیگیری تاریخ ایجاد و روشنگری چگونگی پیدایی، سیر تطور و تحول شهر و کشف معنی و مقصود از بنیانهای اولیه شهری، پیکر-شناسی و ترکیب پدیده‌های مادی و متعین شهری در شهر گاه (نظیر مساجد جامع، مدارس و حوزه‌های علمیه، بازارها و میدانها، راههای درون شهری، ساختمانهای حکومتی و نمایشی، محلات، شهر پناه و سایر اشکال شهر) و پیوند ارگانیک آنها با همدیگر، ضرورت حیاتی دارد. بررسی سیستماتیک این مسائل در چهارچوب ساختارشناسی، کارکردشناسی و کالبدشناسی شهری برای معنا کردن درست صورت پیدا و نهان شهر، حائز اهمیت و دارای مقام مخصوصی در جغرافیای شهری ایران است.

علاوه بر این همان‌طور که در تعریف جغرافیای چشم‌انداز فرهنگی دیدیم، شهرهای ایران از یکسو در دامن محیط طبیعی - زیستی و جریان تاریخی ایران زمین پرورش یافته‌اند و از سوی دیگر در یک هم‌پیوندی پایدار و تنگاتنگ فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و تاریخی با سرزمینهای پیش از

۲۰ - اصطلاحات «برون پرده و درون پرده» را از این بیت حافظ وام گرفته‌ایم :

ما در درون پرده گرفتار صد فریب تا خود درون پرده چه تدبیر می‌کنند

اسلام و دوره اسلامی منطقه خاورمیانه و نزدیک قرار داشته‌اند. بدین ترتیب ضمن آگاهی از استعدادها و ظرفیتهای متنوع طبیعی - زیستی، یعنی حقایق محسوس عالم عینی، و شناخت سرنوشت تاریخ محلی و فوق محلی گیهای مشترك فیما بین فرهنگ مادی و معنوی شهرهای باستانی سایر سرزمینهای اسلامی منطقه برای پیداتر شدن شخصیت و وضیت شهرهای ایران در متن سرشت محیط طبیعی و انسانی این منطقه بزرگ لازم می‌باشد.

متون تاریخی و جغرافیایی و بررسیهای عمومی و تکتونیکاریهایی که ما را به کیفیت عمومی شهرسازی و منظورها و وجوه مشترك بنیانهای شهری شهرهای سرزمینهای خاورمیانه و شمال آفریقا آشنا می‌سازد با اندازه کافی، بالاخص بزبانهای آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و فارسی، وجود دارد. موضوع مهم دقیقتر و ژرفتر کردن مطالعات، گسترش بررسیها و تکتونیکاریها و شناخت ویژگیهای منطقه‌ای و بسته‌بندی شهرها در دوره‌های گوناگون تاریخی تاکنون برای بازشناسی و تعریف مجدد شهر و تطورات شهر است. برای انجام این بررسیها باید که به جستجو و یافتن اسناد و مدارك محلی و بازشناسی اجزای مادی شهری و نظایر آنها پرداخت. بدین ترتیب تعداد کثیری از وقفنامه‌ها جزو مهمترین و اصلترین اسناد، برای بازشناسی ساختارهای گوناگون شهری نظیر بکرتناسی (دافت‌نگاری، چهارمشناسی، سبک‌شناسی ساختمانی درحالات ایستا و پویای آنها) به‌شمار می‌روند. مضافاً این که وقفنامه‌ها برای آگاهی از جریانات و نیروهای تعیین‌کننده سیمای زندگی فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرهای سنتی ایران جزو اسناد بسیار ارزشمند می‌باشند.^{۲۱}

نگارنده با استفاده از وقفنامه‌ها توانسته است تکوین، پویا شهر دولت - آباد (ملایر) و شهر تفترا در جای دیگری بیان کند و ذیلاً درصده است از

۲۱- متأسفانه کتب و مقالاتی که بررسی منابع و مآخذ اسناد تاریخی و جغرافیایی برای بیان بررسی تاریخی عمومی، نواحی و شهرهای سرزمین ما پرداخته‌اند، احتیای چندانی به اهمیت وقفنامه‌ها نکرده‌اند. حتی در سایر شاخه‌های علوم انسانی که وقفنامه‌ها می‌توانند بسیار روشنگر

یکسو گوشه‌ای از نحوه استفاده از وقفنامه را در بازشناسی پیدایش پیمانهای اساسی شهر دولت آباد (ملایر) با اشاره به سیر شهرسازی در دوران اسلامی روشن کند و از سوی دیگر به یکی از نیروهای فضا آفرین و چهره پرداز ذاتی نظام اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی اسلام، یعنی وقف و انگیزه‌های آن، پردازد:

از نظر کیفیت عمومی شهرسازی و شیوه ترکیب و طراحی فونکسیونهای اساسی شهری از همان آغاز اسلام، اعم از دوران حکومت اسلامی کوتاه مدت حقیقی و با دوران حکومت اسلامی بلندمدت غصبی، بنیاد سه نهاد اصلی

مائل گوناگونی باشند نیز وزن و اعتبار وقفنامه‌ها تشخیص داده نشده و در مواردی فقط به استناد برخی یاسته‌ای از وقفنامه‌ها مبادرت شده است (شماره‌های گوناگون دوره مجلات: فرهنگ ایران زمین، معارف اسلامی، نامه آستان قدس، دانشکده معقول و منقول و نشریه دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی)، که بجای خود جای سپاسگزاری را دارد. با وجود این تعدادی از اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان غربی با دستیابی بر بخشی از وقفنامه‌های دوران بعد از منول و علی‌الخصوص دوره‌های صفویه و قاجاریه توانسته‌اند پدرو نشر شدن گوشه‌هایی از تاریخ ایران کمک کنند. استفاده از وقفنامه‌ها برای بیان جغرافیایی شهرهای ایران و تبیین پیش‌تاریخی شهر و بناهای شهری نیز گوشه‌هایی به عمل آمده است. مطالعه این آثار تأییدی بر کمک وقفنامه‌ها در ساختارشناسی شهر و گویاتر کردن بسیاری از ابهامات و مجهولات تاریخی می‌باشد.

اصل و رونوشت وقفنامه‌ها در مرکز نگارخانه سازمان اوقاف ایران و ادارات تابعه آن در شهرستانها، آستان قدس رضوی، موزه‌های آذربایجان، کتابخانه‌های معتبر شخصی آذربایجان و سایر شهرها و نیز در دست متولیان بقدری فراوان و گوناگون است که جمع‌آوری آنها در یکجا بی‌تردید بزرگترین گنجینه اسناد جهان را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر بخاطر عدم مسافت صحیح، نبودن آرشیوها و فقدان نظم و ترتیب منطقی در گردآوری وقفنامه‌ها می‌توان این ذخایر فرهنگی را «گنج بی‌گنجور» نام نهاد.

خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی ایران در زمینه سازماندهی مجدد سازمان اوقاف و توجه به اراضی و رقیات و املاک موقوفه و واریس کار متولیان و ناظران موقوفات و عزل و نصب‌های لازم در جهت دریافت منافع موقوفات حرکت عظیمی آغاز شده و مسؤولان سازمان در صددند حورا حتی الامکان بجای‌خوش پشاندند. ایجاد مرکز اسل و رونوشت وقفنامه‌ها و بررسی عمیق آنها از مواردی است که نه تنها سود آن کمتر از توجه به منافع مالی موقوفات نیست، بلکه در روشنگری زوایای اقتصادی و حتی سیاسی ایران اهمیت غیر قابل توصیف دارد.

یعنی مسجد (جامع و مدرسه)، دستگاه اجراء و اداره حکومتی و بازار برای انجام و اجرای فعالیت‌های دینی - فرهنگی و سیاسی و اجتماعی - اقتصادی در شهرها و حوزه‌های روستایی تابعه آنها جزء ضروریات بدشمار می‌رفته‌اند. امن سه‌نهاد بازار کان زندگی چه در شهرهای قدیمی موجود و چه در شهرهای نو بنیاد قرون اولیه اسلامی معمولاً در مرکز و کانون توجه شهرها جای‌گزین و برپا می‌شدند^{۲۲}. وجود این ارکان و فونکسیون‌هایی که ایفاء می‌کردند برخاسته از ماهیت و ذات دین اسلام، بعنوان نظامی فراگیر زندگی دنیوی و اخروی امت اسلامی بوده است. ساختمان مسجد برای برپا داشتن **جمعی مهم‌ترین وظیفه دینی**، انجام فریضه نماز به جماعت، و حتی وظایف عبادات و اعمال مباحه، و محل اجتماع و موعظه و ارشاد و ابلاغ دستورات الهی بود و معمولاً بتدریج در مجاورت آن بنای مدرسه یا حوزه علمیه وابسته به مسجد، برای تدریس و بیان عقاید، اصول و احکام و نظامات اسلامی و هر دوی آنها جهت نشر معارف و تبلیغ قرآنی و هدایت جامعه در مسیر خیر و صلاح و سیر الی‌الله، ایجاد می‌گردید. پهلو به پهلو آنها میدان اقتصادی یا بازار بمنظور مرکز داد و ستد و پیشه‌وری و شریان اقتصادی شهر و منطقه قرار می‌گیرد، که امور اقتصادی و جریان معاملات، تولیدات و مبادلات کالایی در آن باید منطبق بر اصول و رهنمودهای دینی و یا احکام حسبت باشد. این مجموعه را دستگاه اجرا و اداره مالی -

۲۲- در منابع و متون تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها و سایر کتب تفسیری و ادبی قرون اسلامی پیش از مغول ایجاد این نهادها و تفصیل آنها در شهرهای نو بنیاد و قدیمی آمده است. علاوه بر اینها درباره مفهوم شهر و ویژگی‌های شهرهای دوران اسلامی از جمله ارکان و اجزاء نظام اجتماعی و سیمای شهرها در زبان فارسی منابعی وجود دارد که از میان آنها می‌توان به مقاله‌های زیر مراجعه کرد:

اشرف، احمد: ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، دوره ۱ شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳، ص ۴۹-۷
اشرف، احمد: تداوم برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهرنشینی در ایران، آرش، شماره ۶، شهریورماه ۱۳۶۰، ص ۱۵۵-۱۳۲.

اداری و قضایی حکومتی برای برقراری، تنظیم و اجرایی نظامان اداری - مالی و قوانین جامعه و جریان انداختن احکام حکومتی مطابق مصالح و بر اساس موازین و احکام خدا تکمیل می کند. این ارکان سه گانه کینه در واقع از اجزای اصلی سیستم حکومت اسلامی هستند و ترکیب و انجام وظایف آنها برای پیروزی زندگی است ماهیتاً باید از لحاظ ساختار معنوی و کالبدی بهم پیوسته، نرهم تنیده و ناگسستی و همکار و همیار هم باشند.

هر یک از ارکان اصلی بتدریج از همان اوایل اسلام در مرکز شهر در مقام مخصوص خود جای می گیرند و همبودی آنها جزو قوانین شهرسازی سرزمینهای اسلامی خاورمیانه و شمال افریقا می شود. اما در جریان زمان از هم روی و همبودی معنوی آنها، یعنی احکام خداوند را همیار زندگی و عمل قرار دادن، جز رنگ و بوی در مجموع ملاحظه نمی شود. اما هر آنگاه که فرصتی دست می دهد و روح اسلامی در جام جان آرام می گیرد، جان دیگر شده گوشه ای از جهان را دیگرگون می کنند و معنای حقیقی خود را باز می یابند. این آتش که از او آخر دوره صفویه بار دیگر زیر خاکستر پنهان شده بود در برهه کوتاهی از دوره قاجاریه مجدداً در نقاطی خود نمایان می کند و بنسای شهرهایی نظیر سلطان آباد ارک (در سال ۱۲۲۷ هجری قمری) و فصبه دولت آباد ملایر در سال ۱۲۲۴ هجری قمری در زمان فتحعلی شاه قاجار بنا بر کتب شهرسازی دوره اسلامی ساخته می شود. نیز در یوجا همزیستی ارکان سه گانه بالا بخری کانون و محور ساختار کالبدی شهر می شود. این معنادر و قضایه شیخ الملوکی، که نتوانست موجود در باره نحوه ایجاد ارکان شهری دولت آباد ملایر است، و آثار بازمانده این موقوفه زیبای فرهنگ وحی را در فرهنگ مادی، یعنی ساختار کالبدی دوره آغازین دولت آباد، بخوبی

۲۳- دهقان - ایراهیم؛ گزارشنامه بالله الله اسمی امکه در مطبع کتاب کر جانه یا تاریخ آستانه چاپخانه موسوی، ارک، ۱۳۴۲، ص ۱۳.
 ۲۴- فصبه در دوران اسلام مرکز ایاری السیماان کنوری بود؛ احمد اشرفی؛ مذکر، ص ۱۳.

جلوه گر می کند .

تاریخچه ساختمان شهر دولت آباد ملایر بدین قرار بوده است: «فتحعلیشاه قاجار در هنگام ولایتعهدی مریم خانم دختر شیخعلیخان زند را بدهم سری گرفت (۱۲۰۹ هجری قمری) ... در سال ۱۲۱۰ فتحعلیشاه از مریم خانم دارای پسری شد و او را بمناسبت نام شیخعلیخان زند شیخعلی میرزا نام نهاد. وقتی شیخعلی میرزا بسن چهارده سالگی رسید مریم خانم از شاه تقاضا کرد که با فرزندش نزد طائفه خود برود، شاه تقاضای او را پذیرفتد و وی را باپسرش به ملایر فرستاد و بدشاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه والی کرمانشاه، دستور داد تا در مجاورت قلعه زندیه شهری کوچک بنیان نهاد. این بود که در مرکز ملایر بین قلعه زندیه و دیه چوبین (که در اوایل قاجاریه در محل فعلی شهر ملایر هر دو آباد بوده است) شهری بنام «دولت آباد» بنا شد (۱۲۲۴ ق) و مرکز حکومت جدید ملایر شد و به دستور شاه حوزه توپیر کان هم ضمیمه آن شد و شیخعلی میرزا به حکومت ملایر و توپیر کان منصوب گشت ... بنای اصلی شهر دولت آباد عبارت بود از چند قصر و باغ برای شاهزاده و مادر و اتباعش و یک مسجد و یک حمام و یک بازار. همه این ساختمانها در داخل یک محصوره بنا شده بود. باین ترتیب زمینهای قریه چوبین محل احداث شهر جدید دولت آباد شد و کم کم آبادی چوبین از میان رفت و دولت آباد مرکزیت پیدا کرد و بیشتر سکنه دیه های حول و حوش به شهر جدید الینا روی آوردند و بسیاری از آبادیهای تابع همدان و بروجرد و اراک و نهاوند که به ملایر نزدیک بودند جزو قلمرو این شهر شدند ...

شیخعلی میرزا در سال ۱۲۳۴ قمری لقب «شیخ الملوك» یافت و چون جمعیت شهر روز ب روز افزون تر می شده در سال ۱۲۳۶ بازار و مسجد و مدرسه و حمام تازه ای بنیان نهاد و دوسرا برای مسافر و کاروان احداث کرد و این مستقالات را به اضافه دو آبادی وقف مدرسه و مسجد کرد»^{۲۵}

منابع تاریخی انتخاب روستای چوبین را به مرکزیت یا به دارالملکسی محال ملایر و بنیاد شهر دولت آباد را در جوار آن تایید می کنند: کرل پورتر، که در سال ۱۸۱۸ میلادی (= ۱۲۳۴ ه. ق) از این شهر دیدار کرده، دولت-آباد را مقر حکومتی توصیف می کند که ابتدا روستا بوده و سپس به شهر کوچکی تغییر و تبدیل شکل داده شده است (ص ۷۱)^{۲۶}. حاج میرزا زین العابدین شیروانی، که در سال ۱۲۴۲ قمری از ملایر گذشته در کتاب بستان السیاحه نوشته است «اکنون دارالاماره ملایر در قریه چوبین است و چون شیخ علی میرزا آن قریه را نشیمن نمود لهذا به دولت آباد موسوم فرمود»^{۲۷} هوتوم شیندلر که در سالهای ۱۸۷۵ میلادی (= ۱۲۹۲ ه. ق) و ۱۸۷۷ میلادی (= ۱۲۹۴ ه. ق) دولت آباد را دیده است بنای آن را از اوایل قرن ۱۹ میلادی دانسته و می گوید که پیش از آن در محل آنجا ده کوچک چوبین قرار داشت (ص ۱۱۵)^{۲۸}.

ساختار کالبدی شهر دولت آباد را در اوایل بنیاد سر هنری لایارد، که در حوالی سال ۱۸۴۰ میلادی (= ۱۲۵۶ ه. ق) در این شهر بوده است، بخوبی توصیف می کند. او به شکل چهار گوش، باروی گلین دود دیواره عظیم با برجهای متعدد، خندق، مسجد و بازار زیبا، خیابانهای پر درخت و باغات خوب شهر اشاره می کند و بایبان هنری زیبایی عمارت اندرونی و بیرونی شیخ الملوکی را که در حال ویرانی بوده، ولی با این همه مقرنس کاریها، منبت کاریها، نقش و نگار و تزیینات در و دیوار، تراشهای روی چوب، باغچه

26- Ritter, C. Die Erdkunde Von Asien, Bd. VI, 2. Abteilung, West - Asien, Iranische Welt, Berlin, 1840, S. 71

۲۷- صفائی، پیشین، ص ۱۸-۱۷.

28- Houtum - Schindler, A. : Reisen in noerdlichen Persien (1875 - 1877), Zeitschrift der Gesellschaft fuer Erdkunde zu Berlin, 1879, S. 112-125

Houtum-Schindler, A. : Reisen im suedwestlichen Persien. Zeitschrift der Gesellschaft fuer Erdkunde zu Berlin, 1879, S. 38-67

و گلکاری و آب‌نماهای زیبای آن دل‌انگیز بوده است، تصویر می‌کند.^{۲۹}
این عمارت همان قصر بهشت آیین است که صفائی آن را توصیف می‌کند:
«شیخ‌علی میرزا قصر زیبا و پیر نقش و نگاری هم به اسم
«بهشت آیین» برای خود ساخت و قصر و برجی در کنار آن برای
دختر زیبای خود گوهر ملوک بنا کرد، سبک معماری بهشت آیین
خیلی جالب بود و دیوار تالارها و غرفه‌ها و اطاقهای آن اغلب با
تصویرهای زیبا به وسیله نقاشان چیره‌دست اصفهان تزئین شده و
عکس خود شیخ‌علی میرزا و پسرانش بر دیوار تالارهای قصر و
برج نیز دیده می‌شد. متأسفانه این یادگارهای اولیه و ارزنده
شهر ملایر را مثل اکثر ابنیه قدیمی ایران... بایر حمی و بی‌خردی
در هم کوبیدند و چیزی از آن بجای نماند».^{۳۰}

جمعیت دولت آباد با این توصیفات تازه در سالهای ۱۸۷۷م (= ۱۲۹۴ هـ. ق.)
و ۱۸۹۰ (= ۱۳۰۸ هـ. ق.) حدود ۴۵۰۰ نفر بود و تعداد دکان‌گوناگون
آن در سطح شهر به ۲۵۰ باب باش کاروانسرا، پنج مسجد، چهار حمام و چهار
مدرسه و سه قهوه‌خانه می‌رسید (ص ۱۱۵).^{۳۱} خانم بی‌شاپ نیز نظیر چنین
توصیفی را از دولت آباد در سال ۱۸۹۱ به دست می‌دهد.^{۳۲} بدین ترتیب در دوره
حکومت شیخ‌علی میرزا شیخ‌الملوک ساختار کالبدی قصبه دولت آباد، به صورت
شهری کوچک، با چند محله ایجاد می‌شود. محل و بازمانده‌های آثار مادی این
دوره هنوز هم در شهر کنونی ملایر ملاحظه می‌شود. اما غرض ما در این جا
توصیف دقیقی تر کتب ساختمانی شهر دولت آباد نیست، بلکه همانگونه که
اشاره شد بیان ایجاد این شهر با اسلوب، نظم و ترتیب و ساماندهی فضائی
خاصی است، که از ویژگیها و خطوط اساسی ساختار کالبدی شهرهای سر-

29- Layard, A. H. : *Early Adventures in Persia, Susiana, and Babylonia*,
London, 1894, P.P. 100-101

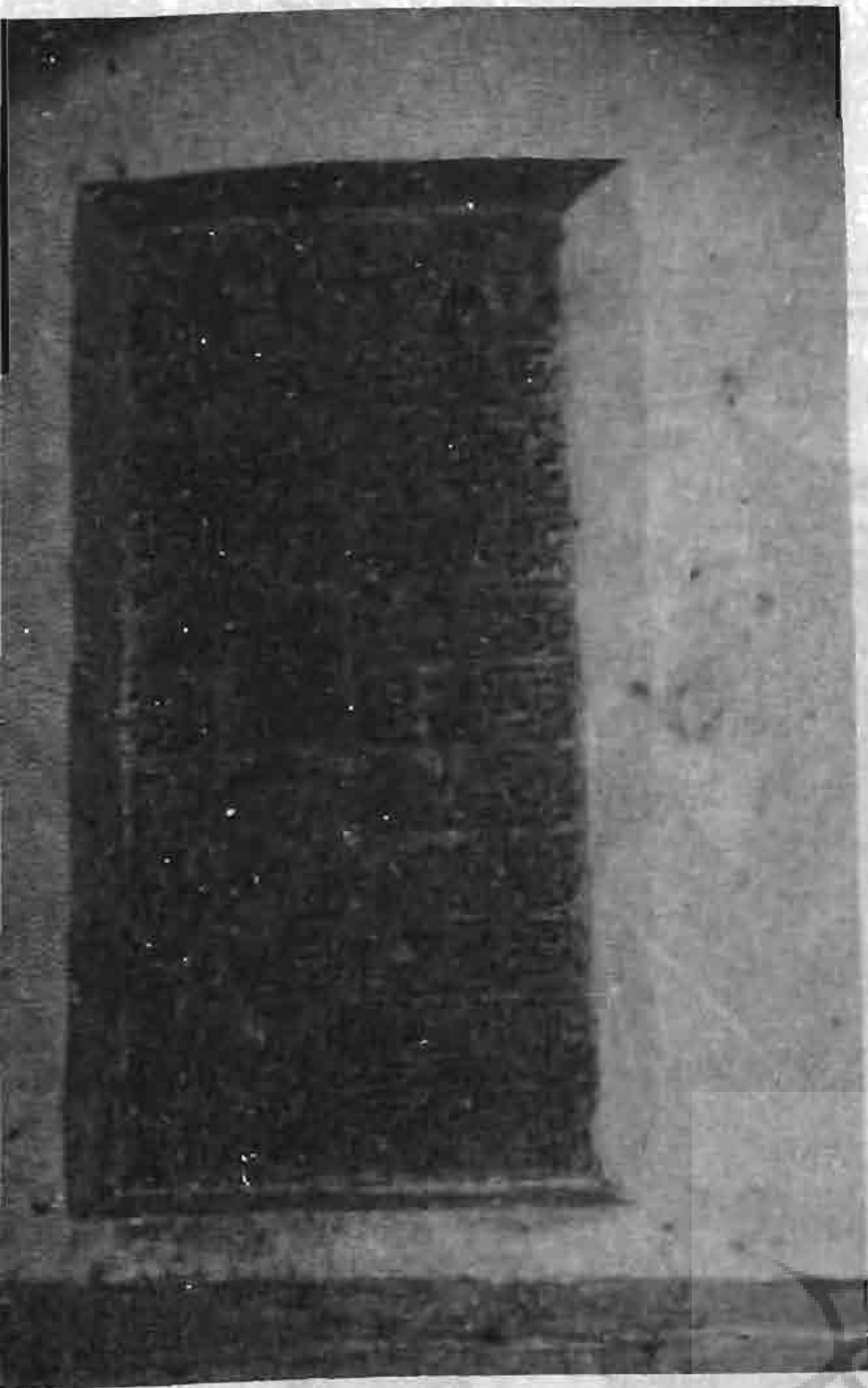
۳۰- صفائی، پیشین، ص ۴۶.

31- Houtum - Schindler, 1879, S. 115

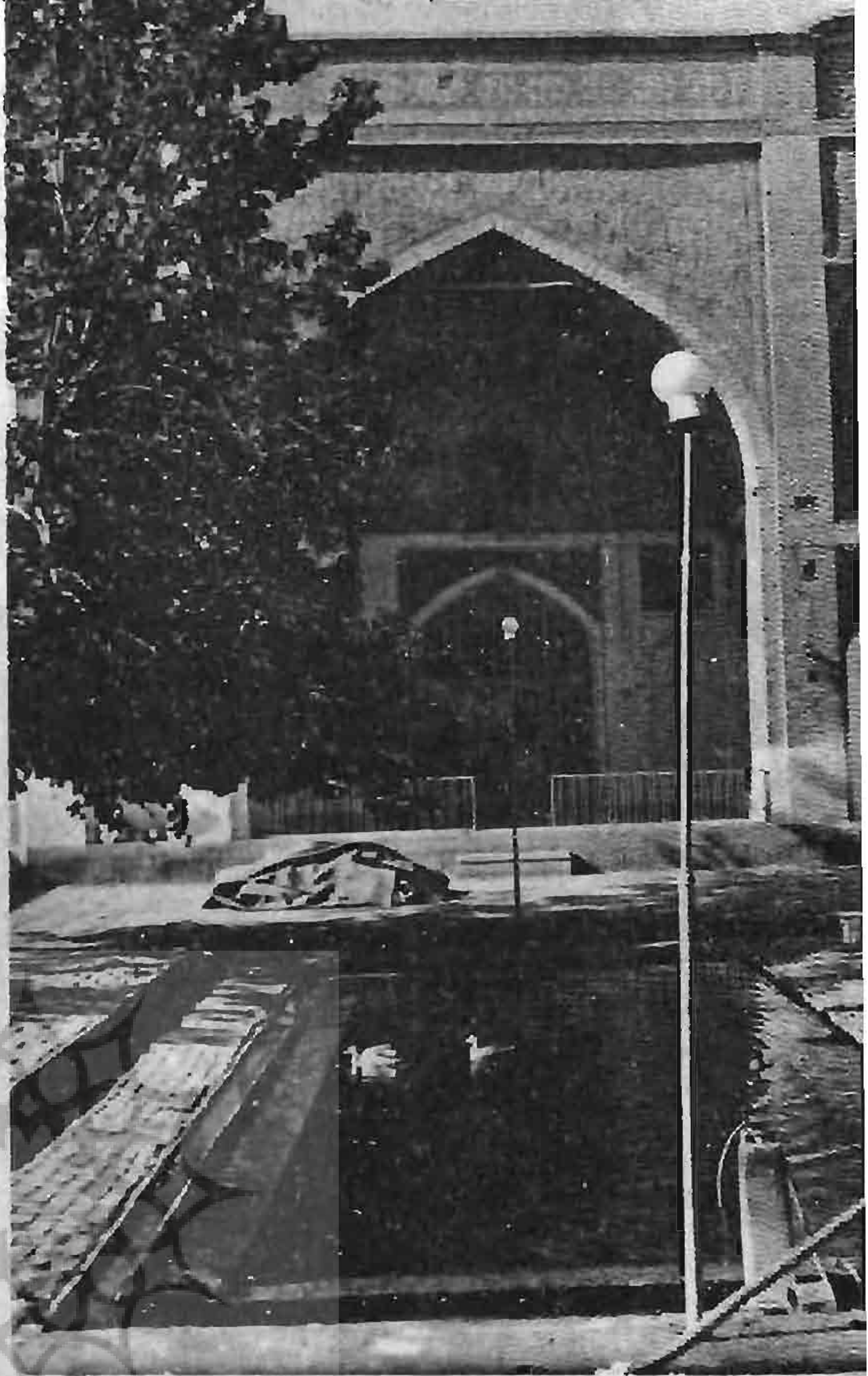
32- Bishop, Mrs. J.L : *Journeys in Persia*, 2Bde., London 1891, 140 PP

زمینهای اسلامی به شمار می‌رود، یعنی ترکیب مسجد و مدرسه، حکومتی، بازار و کاروانسرا، حمام و میدان در کنار هم و با هم به صورت یک مجموعه یکپارچه در مرکز شهر و جایگزینی محلات در کنار و در رابطه‌اند. (نقشه شماره ۱). دستور ساختمان شهر را شیخ علی میرزا یا بر خورداری از حکمت دینی و پستوانه مذهبی و امکانات محدود مالی و با آگاهی از شیوه شهرسازی قدیمی و با وقوف به ارزش اسلامی وقف صادر کرده است. در این جا ما وارد تحولات زندگی و نوع حکومت شیخ علی میرزا پس از تأسیس دولت آباد و در دوران بعدی حکومت او و نحوه بسر رسیدن عمر او پس از عزل او در سال ۱۲۵۱ قمری بوسیله محمدشاه و در زندان اردبیل به سال ۱۲۶۲ قمری نمی‌شویم^۳، ولی عملکرد او ایل حکومت او تا سال ۱۲۴۸ قمری نشان می‌دهد که او در بر تو فرهنگ وحی به تکمیل یا بنای مسجد و مدرسه (عکس شماره ۲ و ۱)، بازار (نقشه‌های شماره ۲ و ۱)، حکومتی و میدان دولت آباد می‌پردازد و ساختمان برجها و باروی آنرا به اتمام می‌رساند، در جمعیت پذیری دولت آباد می‌کوشد و برای قوام و بقای مسجد و مدرسه و اعتقادش حمام و بازار احداثی را نیز وقف آنها می‌کند.

موقوفات و مصارف آنها که در وقفنامه مورخ ۱۲۳۷ قمری و سنگ وقف مورخ ۱۲۳۶ قمری (عکس شماره ۳) مندرج است، در جهت حفظ، گسترش و استمرار منظورهای اعتقادی واقف می‌باشد، بدینیم است و قتم در سال ۱۲۳۶ مسجد و بازار وقف می‌شود ساختمان آنها باید از سالها پیش آغاز شده باشد. بهر حال بازار و سایر رقبات موقوفه پایه مادی بقای مسجد و مدرسه شیخ الملوکی و برای هزینه‌های امام و مدرس و طلاب و مؤذن است. حمام موقوفه هم، که از لوازم پاکیزگی برای زندگی مردم و انجام صحیح فرایض دینی است، در کنار این مجموعه بنا می‌گردد. مضافاً این که مصارف تعزیه ابا عبدالله الحسین در ایام محرم و ایام جمعه هم جزوی از مصارف موقوفه را در بر می‌گیرد برای پایداری مذهب شیعه بوده است. شیخ الملوک باین معنا،



عکس شماره ۳

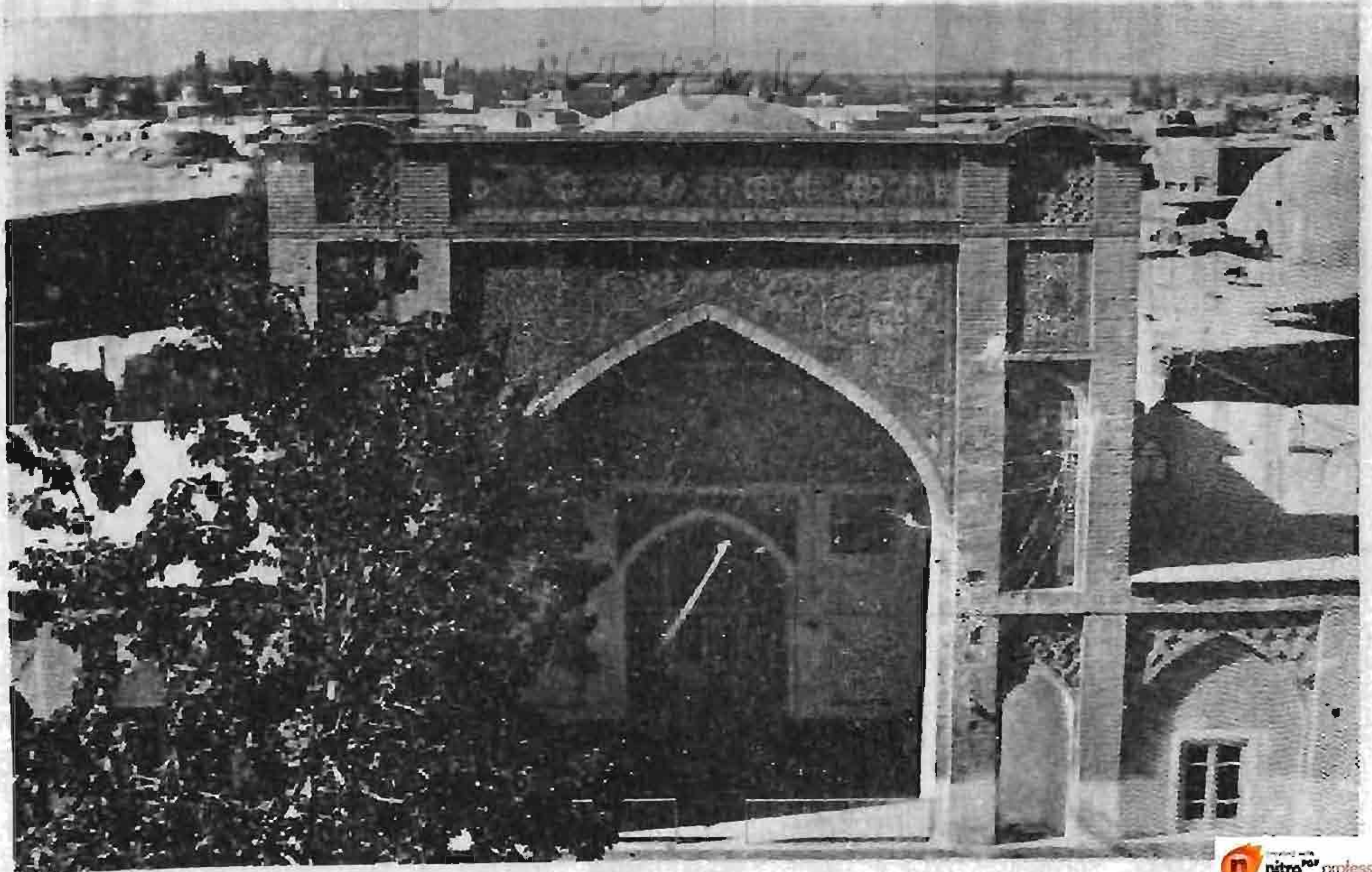


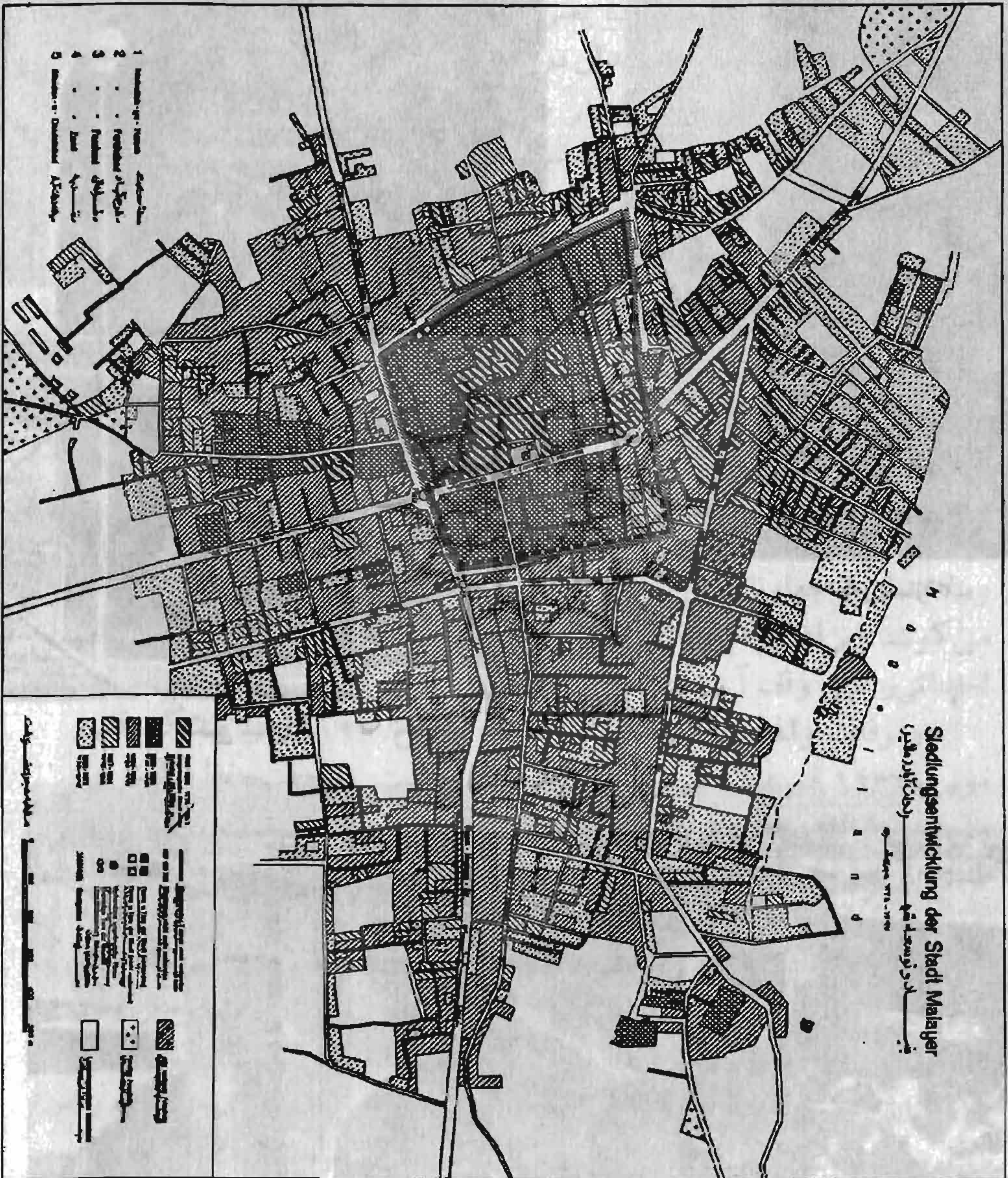
عکس شماره ۱

عکس شماره ۲

شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

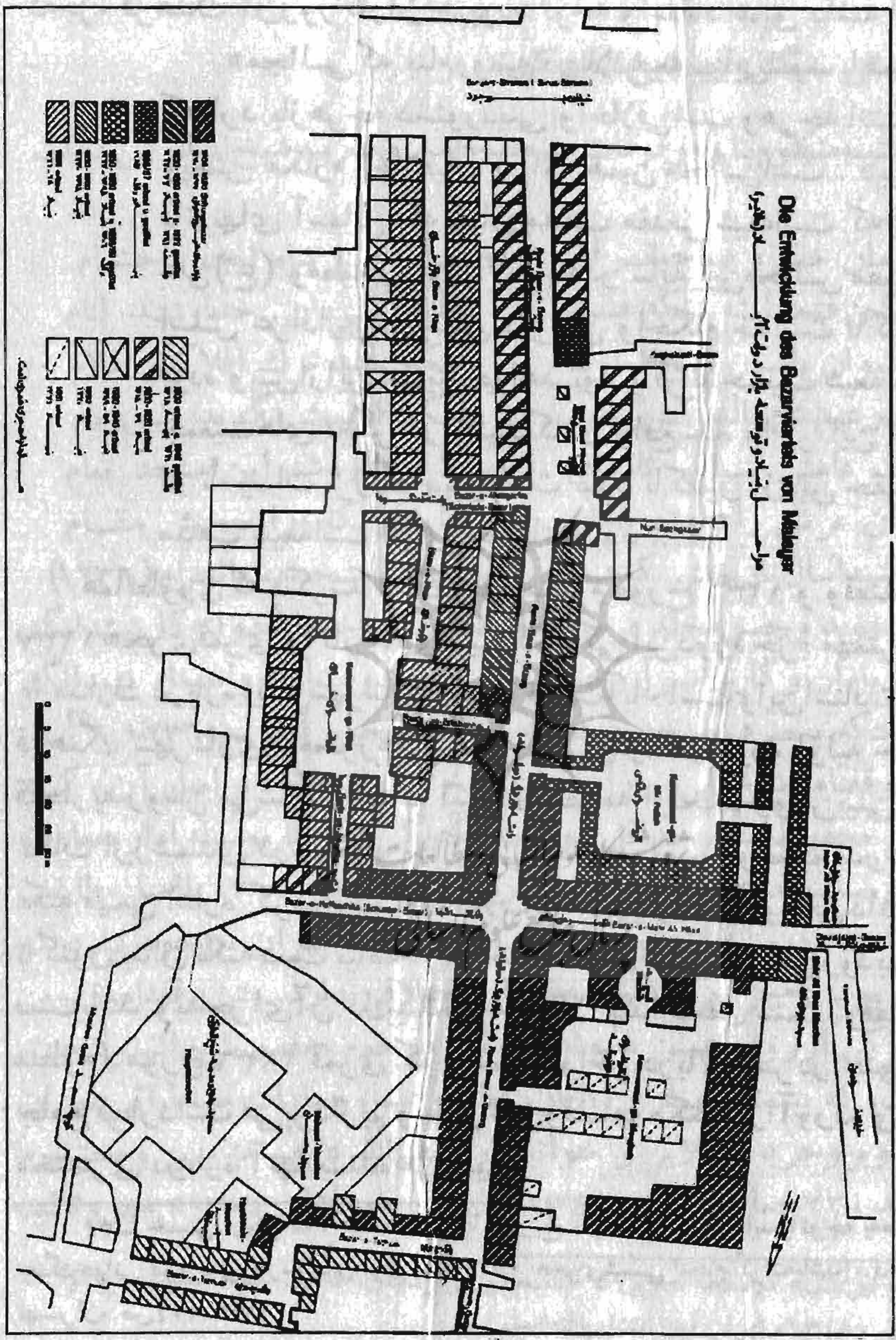
سال ۱۳۸۵





Stadlungsentwicklung der Stadt Malayer
 فیروزکوه - ۱۳۵۰
 (Scale: 1:50,000)

Die Entwicklung des Bazarrviertels von Malayer
 مازندران بازار توسعه بازار دولت آذربایجان



نقشه شماره ۲

که جزء فرهنگ آن روزگاران هم بوده توجه و اعتقاد عمیق داشته است که:

«مجالسی که بنام روضه در بلاد شیعه پیامی شود با همه تواقصی که دارد باز هر چه دستور دینی و اخلاقی است و هر چه انتشار فضائل و بخش مکارم اخلاقیات در اثر همین مجالس است. دین خدا و قانونهای آسمانی که همان مذهب مقدس شیعه است که بیروان علی (ع) و مطیعان اولوالامرند در سایه این مجالس مقدس که اسمش عزاداری و رسمش نشردین و احکام خداست تا کنون پیا بوده و پس از این هم پیا خواهد بود و گرنه جمعیت شیعه در مقابل جمعیت های دیگر در اقلیت کامل واقع شده و اگر این تأسیس که از تأسیسات بزرگ دینی است نمود تا کنون از دین حقیقی که مذهب شیعه است اثری بجا نمانده بود...»^{۳۴}

همانطوری که ذکر شد سنگ وقف منظوم مورخ ۱۲۳۶ و وقفنامه مورخ ۱۲۳۷ هجری قمری و آثار مادی شیخ الملوکی این دوره جزء مهمترین اسناد یا مدارک درباره ایده شهرسازی قصبه دولت آباد است و این اسناد تا حدودی فرهنگ شهرسازی و محورهای اصلی شهری را در دوره اولیه حکومت قاجاریه روشن می سازد. مضافاً این که وقفنامه از لحاظ روشنی حاوی نکات ارزشمندی در وظایف حاکم می باشد و در تعیین و نصب مدرس نیز به نکته مهمی اشاره کرده است که انقلاب فرهنگی و نظام آموزشی دانشگاهی ما تا کنون بدان نکته دست نیافته و بعید هم به نظر می رسد که باین زودبها بدان دست یابند و به اجرای آن دل ببندند. ما ذیلاً ابتدا به نقل سنگ وقف (کتیبه منظوم) مورخ ۱۲۳۶ قمری که تا همین اواخر در بالای سردر جنوبی مسجد جامع قرار داشت می پردازیم و سپس متن وقفنامه مکتوب را آورده و به توضیح مختصری درباره آنها بسنده می کنیم:

۳۴- خمینی، روح الله: کشف الاسرار، (تاریخ تألیف این کتاب باید با توجه به متن در جریان جنگ جهانی دوم یعنی در سالهای اول دهه ۱۳۲۰ هجری شمسی انجام گرفته باشد)، دفتر نشر فلق،

د : متن سنگ وقف شیخ الملوکی :

متن کتیبه منظوم بنا و وقفات مسجد جامع و مدرسه شیخ الملوکی دولت آباد ملایر :

«در زمان خسرو صاحبقران
چم نگین فتحعلی‌شاه آنکه هست
شاه کیوان پاسبان شیخ الملوک
آنکه در عهدش ننالد کس ز جور
رحمت عامش بنای تازه‌ای
ظایران عرش را بامش مکان
گفتشید اسال تاریخش که هست
واقف موبد و حبس مخلص فرمود طال الله عمره و خلد الله دولته کل شش دانگ
دکاکین، بازار و کاروانسرا و حمام دار الشجاعه دولت آباد بانضمام نیم دانگ
از خیر آباد که بمصرف مسجد و مدرسه برسانند تحریر آ فی سنه ۱۲۳۶»^{۲۵}
از وقفنامه شیخ علی میرزا ملقب به شیخ الملوک علاوه بر اصل آن، که
تازدمتولی محفوظ است، حداقل دوسواد، که یکی از آنها بوسیله اداره معارف
و اوقاف و صنایع مستظرفه ملایر در تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۰۴ با اصل مطابقت
داده شده است، در سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تهران، وجود دارد که
با سایر رونوشتها جز در چند لغت معمولی اختلافی ندارد. متن وقفنامه زیرین
شیخ الملوکی از روی همین «سواد وقفنامه مرحوم مغفور شیخ الملوک جنت
مکان است، که بیست و دو نفر از آقایان عظام و علماء و سادات طباطبائی طهران
و همدان و بروجرد و ملایر و خوانین رحمهم الله عایشم مزین و مختوم
فرموده‌اند، ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۴۴ اول آذرماه جلالی ۱۳۰۴» مهر و تأیید

۳۵- این کتیبه در صفحه ۵۰ و ۵۱ کتاب ملایر و مردم آن، تألیف جواد جعفری، ج اول، چاپخانه چهر، ۱۳۴۸، تهران نیز انتشار یافته است.

سناری الزعماى محمدرهمنوان الشعلهم الرحله ، برالباسى سواد دىكرى از
وقنامه ، آقا عبدالحسن وآقا محمدعلى كرامتشانى / آقا ميرزا ابوالقاسم
امام جمعه مطهران وآقا بيان طباطبائى بر وجود نيز بروقنامه ملاحظه نمود:

۵: متن وقنامه شيخ الملوكى :

هو الواقف على الضامير

بسم الله الرحمن الرحيم وبه تقى

الصد لله الذى رفع السماء سقفا و امراجا و وضع سلا فجاجا و بر العلائق
برا و امواج و جعل الهداية و العزبة فصح عذبا و ملحا احاجا و رسم الشرايع
الهارسى منهاجا و صلاة امراجا و السلام على محمد المصطفى السموت على
العالمين و المرتضى و على آله المرتضى و الائمة المسومين و رحمة الله و
بركاته .

اما بعد مدعا و منظور از نگارش اين منظور نيست منظور آنست كه در
اين اوان سعادت اقتران و زمان غير وزى نشان توفيقات زيادى و تائيدان مسيحان
بندگان نواب مستطاب مالك رقاب بهرام عتاب برجس خطاب همايون خلف
خلافت و جهاندارى و ثمين گوهر (بحر) شرافت و شهر يارى بيروى بازوى
جلالت و اقبال و مساعد آستين سعادت و اجلال شيل غاب سلطنت و داورى و
ويل محاب عظمت و سرورى ببنده قدرى كه راى ميتينش احكام شرع شريف
را تابع و نيات اقدس (اقدس) وقوع وجود را مانع همواره ايامش بر تعظيم
او امسحق مسروف و اوقاش بر توقيير علما و صلحا مقصور ابواب رفعت و
احسانش بر روى خاص و عام زد (باز) دست مكرمت و اعماش بر فقرا و
ارباب استحقاقى دراز بانى مبانى عدل و داد و ماحى مراسم شر و قناد و موسى
اساس شرع نبوى و مروج مذهب حنيف مرتضوى شاهزاده اعظم و ملكزاده
اكبرم مد الله للال شوكته و اجلاله و رفع الله معارج قدره و اقباله طلبالمرشات
موبدعلى فرمودند همگى و تمامى كل شندانگ

یک باب حمام و کل شدانگ کاروانسرا و موازی یکصد و شاترده باب
 د کاکین راسته بازارهای چهارسوق از صباغی و عصارى و خبازی و صابون-
 پزی و غیر هم از دکه و صنفه واقعه در قصبه دولت آباد ملایر و لغایت اشتهار
 مستغنین عن التحدید والتوصیف و همگی و تمامی سه دانگ مشاع از کل
 شدانگ قریه خرخره واقعه در محال ملایر مذبور و محدود بحدود اربعه
 ذیل باجمیع توابع ولو احق شرعیه آنها حتی لایستنی منہم شیئی که هر ساله
 متولی و نظار منافع و مداخل املاک مسطورہ را بعد از وضع بوریا و روشنائی
 مسجد صرف اخراجات مدرس و امام جماعت و متولی و طلاب و تعزیه جناب
 اباعبداللہ الحسین علیہ السلام نموده بر چهارسهم و نیم منقسم سازند باین تفصیل
 کہ یکسهم بخصوص مصارف متولی و یکسهم بجهة اخراجات مدرس و امام
 جماعت و دوسهم از برای مصارف طلاب مدرسہ و نیمسهم بعد از وضع شش تومان
 تبریزی از بابت مواجب خادم مدرسہ و مؤذن بجهة مصارف تعزیه اباعبداللہ
 الحسین (ع) در ایام محرم و ایام جمعہ بنہج مسطورہ منافع را بلاقصور و
 انکسار و بدون حیف و میل عاید موقوف علیہم سازند و تولیت آنرا واقف
 سابق الذکر دام عمرہ مادام الحیوہ بنفس نفیس خود و بعدہ بارشدا و اولاد ذکور
 الی یوم القیمۃ تسلا بعدنسل محول و مرجوع فرمودند بشرطی چند کہ
 هر گاہ انهدام و خرابی بموقوفات و مسجد و مدرسہ رخ نماید متولی از وجوہ
 اجارہ اول صرف تعمیر و آبادی آنها نموده بعد از اتمام آنچه فاضل آید
 بمصرف موقوف علیہم برساند و شرط دیگر آنکہ مدرس و امام جماعت ناظر
 موقوفات و متولی باشند کہ متولی و نظار باطلاع و استصواب یکدیگر در
 شغل متولی علیہا و منظور الیہا قیام و اقدام نمایند و شرط دیگر هر گاہ مدرس
 و امام جماعت دونفر باشند سهمی کہ متعلق بایشان است فیما بین ایشان اثلاثاً
 تقسیم شود کہ دو ثلث مختص مدرس باشد و یک ثلث با امام جماعت و
 چنانچہ یکنفر است کل سهم مزبور اختصاص باو خواهد داشت . شرط دیگر
 آنکہ شغل تدریس را متولی بکسی کہ اعلم و افضل است مرجوع سازد و هر گاہ
 از خارج شخصی برسد کہ افضل و اورع از مدرس سابق باشد و میل تدریس

و توقف نماید در صورت افضلیت و اعلامیت اگر بخواهد بتدریس نصب نماید و تغییر بغیر افضل و اورع جایز ندارد و شرط دیگر آنکه مادامیکه حجرات مدرس را طلاب احتیاج دارند مکتب خانه اطفال نسازند و در صورت کثرت طلاب در هر حجره از حجرات که ممکن است سه نفر یا بیشتر بسر توانند برد منع ایشان ننمایند و مدرسه را محل مرافعات شرعی و معاملات دیوانی نگردانند شرط دیگر آنکه چنانچه متولی تخلف و اهمال در مراتب مسطوره نموده و حیف و میل او بظهور رسد نظار باطلاع و اجازه مجتهد عصر آنوقت او را معزول و کسی را که ارشد اولاد ذکور واقف باشد بجای او نصب نمایند. العیاذ بالله در صورت انقراض اولاد ذکور واقف تولیت متعلق بمجتهد مشهور و مقبول عصر آن وقت است که بنهج مسطوره عمل نماید و صیغه وقف شرعی عربی و فارسی بشروط مذکوره جاری و واقع گردید و قفاً عاماً صحیحاً شرعاً مادامت السموات و الارض الی ان یرث الله من علیها و موخر الوارثین فمن تعرض لایطالها و تصرف فیها بغیر شرط و اقفها فقد جاء بغضب من الله و سخطه و ماویة جهنم و بئس المصیر و کان ذالک فی هشتم جمادی الثانی من شهر یک هزار و دویست و سی و هفت ۱۲۳۷ محل مهر عبده الراجی شیخ علی^{۳۶} در بررسی جهات فقهی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و سیاسی این وقفنامه به ملاحظات زیر اشاره می‌نمائیم:

الف - وقفنامه شیخ الملوکی بقرار زیر با تعریف وقف کاملاً تطبیق می‌کند و احکام و شرایط اصلی وقف در آن کاملاً رعایت شده است:

۱- وقف در اصطلاح فقه، عبارت از نگهداری (تحبیس) مال و روان و جاری ساختن (اطلاق) ثمره آن است برای مقاصدی که معین می‌شود. بدین معنی اصل مال را با قرار و شرایط مخصوص از خرید و فروش و دیگر معاملات متوقف می‌سازند تا از منافع آن برای مصالح همه یا طبقه بخصوصی بهره برداری شود (از شرح لمعه ج ۱ ص ۲۲۸)^{۳۷، ۳۸}.

۳۶- سوادهای وقفنامه شیخ الملوکی را مؤولان محترم سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تهران در اختیار این جانب نهاده‌اند که در اینجا از مؤولان محترم آن تشکر می‌شود.

۲- وقف باید با ادای لفظ (یا نوشتن وقفنامه‌ای) بوده که دلیل و بیانگر آن باشد^{۳۷} و لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید خانه خود را وقف کردم صحیح است و محتاج بقبول هم نیست حتی در وقف خاص^{۳۸}.

۳- «وقف کننده آنچه را که وقف کرده باید به متولی یا حاکم تحویل دهد»^{۳۹}.

۴- «وقف باید دائمی باشد»^{۴۰}.

۵- «وقف بنا بر احتیاط باید قطعی باشد نه شرطی»^{۴۱}.

۶- «وقف برای دیگران باشد نه برای خود»^{۴۲} و منظور قربه الی الله و در راه خیر باشد^{۴۳}.

۳۷- به نقل از: انوری، حسن: اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، کتابخانه طهوری زبان و فرهنگ ایران، شماره ۷۸، ۱۳۵۵، تهران ص ۲۳۲.

۳۸- برای تعریف وقف علاوه بر منابع و متون ارزشمند دست اول فقهی به‌ماخذ زیر مراجعه فرمائید:

- امام خمینی: توضیح المسائل (احکام وقف): انتشارات طاهری، تهران، چاپ بمداز انقلاب (بدون تاریخ انتشار).

- امام خمینی: رساله نوبین - تحریر الوسیله - ج ۲، مسائل اقتصادی، ترجمه و توضیح از عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹، تهران، ص ۱۲۸.

- شهابی، علی‌اکبر: تاریخچه وقف در اسلام، نشریه شماره ۱۴، اداره کل اوقاف، ۱۳۴۳، تهران، ص ۳.

- تعریف و احکام وقف از دیدگاه مکاتب مختلف فقه اسلامی در مقاله وقف یا حبس (ص ۶۲۸ - ۶۲۴) مقاله زیر در دایرة المعارف ذیل‌الذکر تشریح شده است ولی ما نظرات حضرت امام خمینی را در رساله نوبین اساس قرار داده و در متن آورده‌ایم ولی در برخی موارد در مقاله مذکور علاوه بر محتوای آن بر احکام بالا اشارات ارزنده دیگری هم وجود دارد:

H.A.R. Gibble and J.H. Kramers: (Hrsg.): Wakf of Habs, Shorter Encyclopaedia of Islam, Leiden, E. J Brill, 1953, 624-628

۳۹- رساله نوبین، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۲۹.

۷- وقف کننده باید بالغ و مکلف، عاقل، آزاد و با قصد و اختیار بوده ممنوعیتی از تصرف در مال نداشته باشد و شرعاً بتواند در مال خود تصرف کند.^{۳۹، ۴۰}

۸- «آنچه که وقف می شود باید ملك وقف کننده بوده و دارای منافع حلال باشد و با استفاده از منافع آن اصل ملك برقرار باشد و نیز بتوان آنرا تسلیم کرد...»^{۳۹}.

۹- «ملك یا رقبات موقوفه بنحو احسن تعریف، توصیف و تحدید حدود شود»^{۴۱}.

۱۰- کسانی که ملك بر آنها وقف میشود... در وقف عموم امکان وجود مصداق عنوان عموم کافی است. کسانی که مال بر آنها وقف شده باید معین باشند»^{۴۱}.

۱۱- وقف معلوم المصرف باشد یعنی مصرف منافع و مداخل املاك روشن و صریح بیان گردد»^{۴۱}.

۱۲- برای اداره موقوفه «وقف کننده میتواند خود یا دیگری را ضمن وقفنامه متولی قرار دهد»^{۴۱}.

۱۳- «اگر وقف کننده حقوقی از منافع ملك وقفی برای متولی تعیین کند همان به وی پرداخت می شود...»^{۴۱}.

۱۴- مضافاً این که در وقفنامه شیخ الملوکی «ناظر استصوابی» و «ناظر اطلاعی» هم تعیین شده و متولی متخلف و اهمال کار را نظار می توانند با اجازه مجتهد عصر وقت معزول کنند. علاوه بر این وقفنامه را شهود معتبری هم امضاء کرده اند.

بد رقبات موقوفه درون قصبه دار الشجاعه دولت آباد: این رقبات شامل موارد زیر است که روشنگر بنیانهای اقتصادی قصبه می باشد:

- یکباب حمام.

۴۰- توضیح المسائل، ماله ۲۶۸۲.

۴۱- دائرة المعارف فوق الذکر.

- یکباب کاروانسرا .

- شش دانگ د کاکین بازار مشتمل بر ۱۱۶ باب د کاکین بازارهای چهار سوق از صباغی و عصارى و خبازى و صابون پزى و غیر هم ...
- سه دانگ مشاع قریه خرخره یا خیر آباد ، که از آن درستگ وقف فوق الذکر نام برده شده است .

ج - تأسیسات و بنیانهای مذهبی : این تأسیسات که شامل مسجد و مدرسه است و متولی و نظار باید بیشتر منافع و مداخل املاک موقوفه را به مصرف آنها برسانند ما را به ارکان معنوی شهر کوچک دولت آباد رهنمون می گردد و تمایل واقفرا در تقویت و اعتلا و دوام مبانی اسلامی و ابدی ساختن ثواب برای خود روشن می سازد .

د : ویژگی سیاسی و قفنامه : از نظر سیاسی واقف در قفنامه ویژگیهایی را برای حاکم وقت ، که خود او بود ، توصیف می کند که باید علی الاصول رهنمود هر حاکم اسلامی نیز باشد : « ... و سروری بلند قدری که رای متینش احکام شرع شریفرا تابع ... همواره ایامش بر تعظیم او امر حق معروف و اوقاتش بر توقیر علما و صححا مقصور ... بانی مبانی عدل و داد ... و مروج مذهب حنیف مرتضوی ... »

تأثیر تأسیس مدرسه و مسجد دولت آباد و موقوفات آنها چنان بود که روحانیون برجسته ای در این شهر اقامت گزیدند و شاگردان عالیمقامی تربیت کردند . اواخر دوره حکمرانی شیخ علی میرزا بنا به درخواست مردم ملایر فتحعلیشاه در سال ۱۲۴۷ قمری «مرحوم ملا احمد خراسانی را که مقیم اصفهان و از علماء طراز اول بود جهت تنظیم امور شرعی به اقامت در ملایر ترغیب کرد . در همین اوان و بنا بر تشویق ملا احمد بود که روحانیون معتبر روستاها و شهرستانهای مجاور روی به ملایر نهادند و مدارس دینی و مسجد ملایر رونقی بسزا یافت»^{۳۳} . اسامی عده ای از علمای معتبر دولت آباد ملایر

و مقام شامخ آنان در «تاریخ ملایر»^{۴۳} و عکس و نام تعدادی از آنان در «ملایر و مردم آن» مندرج است.^{۴۴}

و: سرنوشت رقبات موقوفات شیخ الملوکی :

سرنوشت رقبات موقوفه شیخ الملوکی بقرار زیر است :

- ۱- سهدانگ مشاع از آبادی خرخره معروف به خیرآباد گویا در جریان اصلاحات ارضی به زارعین به اجاره واگذار شده است .
- ۲- حمام موقوفه در بازار هنوز وجود دارد .
- ۳- کاروانسرا : تغییر شکل یافته ولی موجود است و کماکان وقف می باشد .
- ۴- یکصد و شاتزده بابد کاکین بازار در چهارراسته بازار با تغییرات جزئی وجود دارد و در مقایسه باوضع پرداخت اجاره بها در سطح شهر ، مال الاجاره آنها اندک است . اساس تنظیم قرارداد ونحوه حل اختلاف و میزان استفاده از منافع و مال الاجاره د کاکین وحجرات کاروانسرای موقوفه و یکصد و شاتزده باب د کاکین را از سال ۱۳۳۸ هجری قمری ببعده در دوره تولیت شاهزاده محمدمهدی میرزا ملقب به شاهزاده قاضی می توان در نامه نمره ۳۹۷ مورخ ۱۱ برج دلو ۱۳۳۸ هجری قمری اداره اوقاف و معارف ولایات ثلاث (بهوزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و دوورقه سواد مطابق با اصل همانند از قرارداد منعقدہ فیما بین متولی و کسبه و تجار) ملاحظه کرد ، لازم بیادآوری است که شهرهای ملایر، نهاوند و تویسرکان در آن هنگام ولایات ثلاث نام داشتند و مرکز آنها نیز ملایر بود .

۴۳- صفائی، ابراهیم : پیشین ، ص ۶۴-۶۳ .

۴۴- جعفری، جواد: پیشین، عکس روبروی ص ۳۰ کتاب باتوضیحات ذیل عکس .

متن نامه :

«محل علامت شیر و خورشید»

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اوقاف و معارف ولایات ثلاث

اداره . اوقاف

دایره : مراسلات

نمره : ۳۹۷

تاریخ ۱۱ / چلو ۱۳۳۸

ضمیمه دو ورقه سواد

ورود به وزارتخانه: ۲۷ دلو ۱۳۳۸

نمره ۱۳۹۶

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت عظمة

حسب الامر مبارك امر موقوفه مرحوم شيخ الملوك پس از مذاکرات و جلسات عدیده مطابق قرار دادیکه سواد اورا حضور مقدس ارسال میدارد اصلاح گردید اگرچه بحسب صورت قرار داد اختصاص میدهد ثلث عایدات را بموقوفه ولی نظر باینکه ابنیه و تعمیرات و عوارض بعهدہ ساکنین خواهد بود بعلاوه توجه مخصوص ساکنین از حیث علاقمندی باین مستغلات باعث ترقی و آبادانی میباشد و در واقع ثلث از عایدات هم برای مصارف منظور شده و ثلث باقی استفاده تجار و کسبه میشود. در ازاء ابنیه و تعمیرات سابقه و حق الثبت و سرقظلی این قرار داد از نقطه نظر صلاحیت و قف اشکالی ندارد چنانچه شاهزاده محمد مهدی میرزای متولی و آقایان علماء و جمعی از وجوه آقایان اهالی تصویب و امضاء کرده اند آنچه تخمین شده در سابق موقوفه ماهی پنجاه تومان از این محل عایدات داشته و در آتیه ماهی یکصد و پنجاه تومان عایدی خواهد داشت. «امضاء خوانان نیست ولی در مقایسه با امضاء ذیل قرار داد بنظر میرسد محل امضاء نماینده وزیر معارف میباشد. محل مهر اداره اوقاف و معارف ولایات ثلاث» .

متن قرارداد :

«بعد الحمد والصلوة غرض از تحریر آنکه چون اختلاف شدیدی فیما بین

جناب مستطاب شرایع آداب نواب اشرف والا شاهزاده محمد مهدی میرزای قاضی متولی موقوفات مرحوم مغفور جنت جایگاه شیخ الملوك طاب ثراه و حضرات تجار و کسبه ساکنین چهار راسته بازار و کاروانسرای موقوفه راجع بحق آب و گل و سرقفلی و مال الاجاره رقیات موقوفه واقع شده بود پس از مذاکرات و جلسات عدیده بر حسب صلاح موقوفه و مقتضیات وقت قرار قاطعی داده شد فیما بین آقای قاضی متولی و آقایان ساکنین و ارباب سرقفلی بتصویب آقایان نظار باین تفصیل که از غره شهر محرم الحرام ۱۳۳۸ بعد تمام منافع و مال الاجاره دکانین بازار و حجرات کاروانسرای موقوفه تثلیث شود باین معنی که یک ثلث منافع اختصاص موقوفه داشته و دو ثلث دیگر منافع مختص بحق سرقفلی و آب و گل ساکنین باشد بشرط آنکه تمام مخارجات و تعمیرات و عوارض کلیه بمعهد ساکنین باشد و این قرارداد فیما بین طرفین دائم و ابدی خواهد بود تحریراً غره شهر جمادی الاولی ۱۳۳۸. این قرارداد با استحضار اداره اوقاف و لایات ثلاث خاتمه پیدا کرد تاریخ دهم شهر جمادی الاولی امضاء رحیم الحسینی، محل مهر اداره اوقاف، سواد مطابق اصل است تاریخ دهم جمادی الاولی ۱۳۳۸ (محل امضاء ناخوانا که بنظر میرسد نماینده وزیر معارف بوده باشد). محل امضاء تعدادی از آقایان علماء، اعیان شهر و معین التجار و نمایندگان تجار و کسبه»

با احداث کاروانسراها و مغازه در طرفین میدان و چهار خیابان اصلی شهر و تغییر نام دولت آباد به ملایر در دوران رضاشاه پهلوی بتدریج کاروانسراها و بازار ملایر مقام مخصوص و قدرت اقتصادی منحصر بفرد خود را از دست دادند. کاروانسرای موقوفه نیز دچار رکود گردید و بازار منزلت اولیه خود را از دست داد. ولی با تغییرات ساختاری که در آن پدید آمد هنوز هم جزو جایگاههای خرید و فروش عمده قشر متوسط شهر محسوب می گردد. اما اقتصاد بازرگانی شهر را اکنون حجرات کاروانسراها، مغازه های طرفین خیابانها و پاساژهای جدید تعیین می نماید. جریان و پویای تاریخی، وضع اجتماعی - اقتصادی ملایر و بازار آن را ما در جای دیگری به تفصیل

شرح داده‌ایم^{۴۵} و در این جا از شرح آن درمی‌گذریم.

۵- مسجد جامع و مدرسه شیخ الملوکی :

در دوره پهلوی از اهمیت مدرسه بتدریج کاسته شد ولی تا این اواخر و پس از انقلاب اسلامی ایران هم هنوز درس و بحث در این مدرسه تا حدودی جریان داشت. اما مسجد جامع و مدرسه زیبای شیخ الملوکی، که سند گرانبهای هویت و شناسنامه اسلامی دولت آباد ملایر بود به بهانه گسترش و بزرگتر کردن آن در سالهای اخیر بعد از انقلاب متأسفانه ویران و هنوز هم ساختمان جدید پایان نیافته است.

اقدامات خیر شیخ الملوک بهمین موقوفات پایان نمی‌پذیرد. او بموجب سواد و قضاومه‌های مورخ شهر جمادی‌الاول ۱۲۴۳، شهر ربیع‌الثانی ۱۲۴۴ و شهر ذیقعد ۱۲۴۸ موجود در سازمان حج و اوقاف تهران املاک فراوان خود و والده‌اش را واقع در شهر دولت آباد ملایر، توپسرکان و محال توپسرکان و همدان وقف اولاد و اخلاف خود ذکوراً و اناثاً موجود کان ام سیوجد ولیکن اولاد متولد از ذکور الی -حین انقراضهم... بطناً بعد بطن و نسل بعد نسل وقف می‌نماید که مقداری از درآمد آن راهم برای صرف صدقات جاریه از قبیل مساجد و مدارس و کاروانسرا و آب‌انبار و پل و حمام و مانند اینها و خرید کتب علمیه و یا تعمیرات آنها و قسمتی را بفقرای سادات و غیر سادات و طلاب و سایر مایحتاج الیه بمصرف برسانند. متأسفانه قسمتی از سواد این وقفنامه‌ها را موش خورده است، که امیدوار است برای نجات سایر وقفنامه‌ها و سواد آنها و نامه‌های معتبر و مفید بالاخره آرشیو علمی و وقفنامه‌ها تدارک دیده شود.

برابر مراسله‌های نمره ۷۳۲ تاریخ ۲۸ برج جدی ۱۳۳۶ و

45- Momeni, M. Malayer und sein Umland, Entwicklung, Struktur und Funktionen einer Kleinstadt in Iran. Marburger geogr. Schriften. 1976.

۷۴۲ به تاریخ ۶ برج دلوئیلان ۱۳۳۶ و ۷۶۸ به تاریخ ۲۴ برج دلوئیلان ۱۳۳۶ دایره اوقاف اداره معارف و اوقاف همدان سواد وقفنامه‌های بالا، که اصل آن در تردیک نفر از اهالی همدان بوده، و در صحت آنها تردیدی نکرده‌اند، پس از زحمات بسیار و مواعید زیاد، تهیه و برای وزیر معارف و اوقاف ارسال می‌گردد. در قسمتی از نامه نمره ۷۳۲ فوق‌الاشعار رئیس اداره معارف و اوقاف همدان قیمت رقبات وقفنامه مورخ ۱۲۴۸ را «بالغ بر دو کرو تومن قیمت» بر آورد می‌کند و «عایدات سالیانه آنها را قریب یکصد هزار تومان» تخمین می‌زند و ادامه می‌دهد: «در صورتیکه وزارت جلیله موفق باحیاء آن شوند و ازید تصرف غاصبین خارج و بتصرف موقوف علیهم داده شود از قسمت مبراتی آن و قسمت عشیره‌اش نسبت بمعارف فوائد کلی خواهد رسید».

بموجب نامه نمره ۷۹۶ به تاریخ ۲۹ حوت ئیلان ۱۳۳۶ دایره اوقاف اداره معارف و اوقاف همدان بعنوان وزیر معارف و اوقاف، گویا کلیه املاک مزبوره (رقبات موقوفه و وقفنامه‌های سه گانه فوق‌الذکر) فعلاً بعنوان ملکیت اداره شده و در هیچیک عنوان وقفیت موجود نیست و تصور هم نمی‌رود کسی دعوی تولیت در آنها بنماید».

در نامه نمره ۷۶۸ بتاریخ ۲۴ دلوئیلان ۱۳۳۶ دایره اوقاف اداره معارف و اوقاف همدان به وزیر معارف و اوقاف پیشنهاد زیر مطرح می‌گردد: «تحت مراسله ۷۳۲ و ۷۴۲ دو طرفاً سواد وقفنامه املاک وقفی مرحوم شیخعلی میرزا ملقب بشیخ‌الملوک را ارسال داشت و فعلاً نیز یکطرفه‌ای وقفنامه دیگر آن مرحوم را سواد کرده و لفاً تقدیم نمود در صورتیکه تصویب فرمایند اعلانی درجراید منتشر شود که مرحوم شیخ‌الملوک املاکی را وقف اولاد نموده و وقفنامه‌های آن بدست آمده ورثه آن مرحوم خود را در همدان و تویسرکان و دولت‌آباد با اداره معارف و اوقاف محلی و در طهران با اداره اوقاف مرکزی معرفی نمایند شاید بوسیله موقوف علیهم که گویا یکی از آنها شاهزاده سالار السلطنه میباشد و سائل تسریع احیاء موقوفات مزبوره بیشتر فراهم شود».

در پاسخ این نامه بتاريخ ۱۹ حوت ثیلان ۱۳۳۶ ابراهیم زنجانی از اداره کل اوقاف وزارت معارف و اوقاف به امین اوقاف نوشته میشود که «... چون وقف بر اولاد است اداره اوقاف نمیتواند مداخله رسمی نماید لازم است بکنفر با چند نفر از اولاد آن مرحوم اقامه دعوا نمایند تا مساعدت شود» و بدین ترتیب مسأله فیصله می یابد.

چون اکنون نیز از رقبات موقوفه سه وقفنامه بالا ملکی به صورت وقفی باقی نمانده و با اگر مانده اطلاعی درست نیست درباره چگونگی از میان رفتن آن سخنی بزبان نمی آوریم. این وقفنامهها برای بررسی نحوه کنز ثروت، آیین ملکداری، پراکندگی املاک، وضع مالکیت و نظایر آنها در ولایات ثلاث از اهمیت و اعتبار بسیاری برخوردار است.

بهر حال در اواخر دوره قاجار در دولت آباد ملایر افراد خیری نظیر حاج عیسی خان بیگلریگی، حاج محمد کاظم خان تاج بخش و شاهزاده حاج سیف الدوله عضدی^۳ رقبات و اوقاف فراوانی از خود به یادگار گذاشته اند که ان شاء الله در فرصت دیگری از وقفنامهها و تأثیرات کارهای خیر آنان در عمران و آبادانی ملایر یاد خواهد شد.

به این امید که فرهنگ وقف فراگیر شود این مقاله را پایان می برد.

۴۶- عماد ملایری، محسن: «شهرستان ملایر»، آموزش و پرورش، فروردین واردیبهشت

ز - منابع و مآخذ :

۱ - منابع فارسی

- اشرف، احمد : تداوم برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهرنشینی در ایران، آرش، شماره ۶ شهریور ۱۳۶۰، تهران .
- اشرف، احمد : ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳ .
- انوری، حسن : اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، کتابخانه طهوری، زبان و فرهنگ ایران، شماره ۷۸، ۱۳۵۵، تهران .
- بوخنسکی، ای. م : فلسفه معاصر اروپایی، ترجمه شرف‌الدین خراسانی - شرف، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۶۷، تهران، بدون تاریخ انتشار .
- جعفری، محمدتقی : ذکر، دفتر هفتم، شناخت انسان در تصدیه حیات تکاملی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲، تهران .
- جعفری، محمدتقی : علوم انسانی، فرهنگها و جهان بینی‌ها، در علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، انتشارات جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، آذرماه ۱۳۶۱، تهران .
- جعفری، جواد : ملایر و مردم آن، جلد اول، چاپخانه سپهر، ۱۳۴۸، تهران .
- خمینی (امام)، روح‌الله : توضیح المسائل، انتشارات طاهری، تهران، چاپ بعد از انقلاب .
- خمینی (امام)، روح‌الله : رساله نوین - تحریر الوسیله - جلد دوم : مسائل اقتصادی، ترجمه و توضیح از عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹، تهران .
- خمینی، روح‌الله : کشف الاسرار، دفتر شرفاق، بدون تاریخ، تهران .
- حقان، ابراهیم : گزارشنامه یا فقه‌اللغة اسامی امکان در مطلع کتاب کرجنامه یا تاریخ آستانه، چاپخانه موسوی، خرداد ۱۳۴۲، اراک .
- شریعتمداری، علی : اصالت و وحی و اصالت رای، در: علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، انتشارات جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، آذرماه ۱۳۶۱، تهران، ص ۷۱-۹۲ .
- شهابی، علی اکبر : تاریخچه وقف در اسلام، نشریه شماره ۱۴ اداره کل اوقاف، ۱۳۴۳، تهران .
- صفائی، ابراهیم : تاریخ ملایر، چاپ شرق، ۱۳۳۹، تهران .
- طباطبائی، سید محمد حسین : المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد جواد حجتی، جلد ۲، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، تهران .

- طباطبائی، سیدمحمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۲۴، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، تهران.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۲۵، کانون انتشارات محمدی، چاپ سوم، ۱۳۶۳، تهران.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۳۹، چاپ دوم، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۱، تهران.
- عادلایری، محسن: شهرستان ملایر، آموزش و پرورش، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۲۴، ص ۳۶-۳۹.

۲- منابع خارجی

- Anthropogeographie: in : Westermann Lexikon der Geographie, Georg Westermann Verlag, Braunschweig, Bd. I. 1968, S. 180-183
- Bishop, Mrs., J.L. : Journey in Persia, 2 Bde. , London 1891
- Gibb, H.A.R. and Kramers, J.H. : Wakf or Habs. Shorter Encyclopaedia of Islam, Leiden, E.J. Brill. 1953, P. 624-628
- Houtum- Schindler, A. : Reisen im suedwestlichen Persien. Zeitschrift der Gesellschaft fuer Erdkunde zu Berlin, 1879, S. 38-67
- Houtum-Schindler, A. : Reisen im noerdlichen Persien (1875-1877). Zeitschrift der Gesellschaft fuer Erdkunde zu Berlin 1879, S. 112-125
- Kulturlandschaft : in: Westermann Lexikon der Geographie, Georg Westermann Verlag, Braunschweig, Bd. II, 1969, S. 905-906
- Layard, A.H. : Early Adventuures in Persia, Susiana and Babylonia, London, 1894.
- Momeni, M. : Malayer und sein Umland, Entwicklung, Struktur und Funktionen einer Kleinstadt in Iran, Marburger Geogr. Schriften, 1976
- Ritter, C. : Die Erdkunde von Asien, Band VI, 2. Abteilung, West-Asien, Iranische Welt, Berlin 1840
- Schwind, M. : Kulturlandschaft als objektivierter Geist. (Deutsche geographische Blaetter 46/1/1951), Nachdruck in: Kulturlandschaft als geformter Geist, Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Darmstadt (Hrsg.), in der Reihe "Libelli", Bd. CX, S. 3-26
- Wagner, J. : Kulturgeographie, Harms Erdkunde, B. 9, 4. Aufl., Paul List Verlag KG, Muenchen, 1969

Zur Kulturgeographie (aus dem AD HOC - Bericht): In: Bartels D. (Herg.):
Wirtschafts -und Sozialgeographie, Neue Wissenschaftliche
Bibliothek Wirtschaftswissenschaften, Kiepenheuer & Wirtsch,
Koeln, Berlin, 1970 S. 130-140



بازدید از تاریخ ۱۳۳۸ هـ - مورخ ۱۳۳۸ هـ
 شماره ثبت کتابخانه: ۴۸
 شماره سند: ۱۳۹۶
 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 اوقات و معارف و اوقاف ایران
 اداره کتابخانه
 اداره اسناد
 شماره ۳۹۲
 تقویم شمسی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

حسب امر سابقه مورخه فوق الذکر که در تاریخ ۱۳۳۸ هـ
 مطابق تقویم و تاریخ شمسی مورخه فوق الذکر
 به موجب سند شماره ۱۳۹۶ مورخه فوق الذکر
 صادره از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 و به موجب سند شماره ۱۳۹۶ مورخه فوق الذکر
 صادره از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 و به موجب سند شماره ۱۳۹۶ مورخه فوق الذکر
 صادره از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 و به موجب سند شماره ۱۳۹۶ مورخه فوق الذکر
 صادره از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



مستظرفه

این کتاب را به حضرت امان الله علیه
و صلوات خیرت علیه و آله و سلم
عزادیم از طرف روحانیان
(موسسه الهیادیه النصار)



طبع کتاب در سال ۱۳۳۸ هجری قمری در شهر تهران
در دفتر نشر فرهنگ اسلامی
توسط انتشارات فرهنگ اسلامی
تصویر کتب در فهرست کتابخانه
(موسسه الهیادیه النصار)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عن ابی ذر که گفت: حضرت زین العابدین علیه السلام فرمودند که هر کس این کتاب را بخواند...

شاید بر سر راه شما در وقت روز شنبه وقت باطله شیخ ابوبکر صاحب زاد و تربیت
سکین مهرات برادر بزرگوار برای برادران آب و گل سر سبز و گلستان رحمت رفته اند
شبهی شریفانکات و طاعت عید بر آب صبح سوخته و سفیدت وقت قدما کرده
غیب آرزوهای کهن ما با آب زین العابدین علیه السلام نظار این شش و روزی
مهر الوام ۱۳۳۸ هجری قمری در شهر تهران در دفتر نشر فرهنگ اسلامی
این کتاب در شهر تهران در دفتر نشر فرهنگ اسلامی در شهر تهران
در شهر تهران در دفتر نشر فرهنگ اسلامی در شهر تهران
این کتاب در شهر تهران در دفتر نشر فرهنگ اسلامی در شهر تهران

- (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار)
- (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار)
- (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار)

(موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار) (موسسه الهیادیه النصار)

وزارت معارف و اوقاف

اداره هدایت

مؤسسه عالی کمالیه

تاریخ ۱۳۳۳

Handwritten text in Persian script, appearing to be a dense collection of notes or a manuscript. The text is written in various directions and includes some larger, bolded words or phrases. The handwriting is somewhat cursive and overlapping. There are some larger words like 'مؤسسه عالی کمالیه' and 'تاریخ ۱۳۳۳' visible.

Handwritten text in Urdu script, densely packed and covering most of the page. The text appears to be a collection of notes or a manuscript, with some lines underlined. The handwriting is cursive and somewhat difficult to read due to the density and slant of the lines.



وزارت معارف و اوقاف

اداره اهدان

سازمان سنجش و ارزشیابی

موسسه تخصصی

تاریخ ثبت ۱۳۴۸

نمره است دفتر

۵۱۶

مدرسه تخصصی

شیخ اندک دامپزشکی

بنده شاد است

اندر انظار

بدریافت

Handwritten notes and signatures on the right margin, including names like 'موسسه تخصصی' and 'سازمان سنجش و ارزشیابی'.

Handwritten notes and signatures at the bottom right, including 'موسسه تخصصی' and 'سازمان سنجش و ارزشیابی'.

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

بسم الله الرحمن الرحیم
بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم و بزرگوارترین و عزیزترین مردم

